وحدت اسلامی

آیة الله خالصی

کتاب
وحدت اسلامی

ترجمه

از نشریات آیت الله خالصی

ناشر:

انجمن اتحاد اسلامی

ذیحجة الحرام ۱۳۷۰

بها: پانزده ریال

(چاپ گلبهار یزد)

مقدمه

نظر باینکه منشورات آیت الله خالصي زاده بزبان عربي درعراق منتشر میشود و عموم فارسي زبانان را از آن بهره ای نیست برای استفاده برادران دیني چند نشریه آن ترجمه وطبع ونشر میگردد

۱ـ نهضت اسلام درآلمان یا مراسله آقای عبد الرحمن روسلر رئیس جمعیت اسلامی آلمان بآیت الله خالصي زاده وجواب آن

۲ـ جنك وبندگي در اسلام خطبه ایست که آیت الله خالصي در لیله جمعه نهم ربیع الاول انشاء کردند وضمناً از سئوالي که در باره جنك و بندگي در اسلام شده بود جواب فرمودند

۳ـ وحدت اسلامي در جمعه و جماعت وعمل بقرآن خطبه ایست که آیت الله خالصي زاده در روز جمعه دهم ربیع الاول ۱۳٦۹ درنماز جمعه انشاء فرمودند و اهمیت اجتماعات دیني را بیان کردند

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش خدایرا است که خلق را بقدرت خود ایجاد فرمود و آنان را بحکمت خویش تدبیر کرد وباشان لطف فرمود پس آنچه را نمیدانستند تعلیمشان کرد وآنانرا بخیرات و نیکیها راهنمائی نمود پس بآنها امرشان فرمود وبدیها و زشتیها را بایشان شناساندپس از آنها نهیشان کرد .

شهادت میدهم که خدائی جز پروردگار یکتای بیهمتا نیست و نشانه های او در آسمانها و زمین دلالت بر وحدانیتش دارد و شهادت میدهم که محمد (ص) بنده وفرستاده اوست . بحق مبعوث شد وپیغمبرانرا تصدیق کرد . معجزات وی بررسالتش گواه است وحکمتهائی که دراحکام شریعت او ظاهر است از معجزاتش میباشد .

بار الها بر او وآل بامیمنت و اصحاب راشدینش درود فرست . بعد به پیشگاه الهی تضرع و زاری میکنیم در حالیکه اقرار داریم که از اداء وشکر نعمتهای بی پایان او عاجزیم و بزرگترین آنها دین اسلام است که احکام و حکمتهای خدا را بما شناساند پس فهمیدیم که بشر نمیتواند بسعادت دنیا و آخرت نایل شود مگر باسلام و اشخاصی که اصرار برترك احکام این دین مبین دارند بزودی نابود میشوند . این است آنچه ماازاحکام شریعت اسلام وعلت سعادت وکامیابی پیروان این آئین

وشقاوت وبدبختی تارکین احکام این قانون آسمانی رادرك کردیم زیرا احکام این شریعت شامل جمیع حالات فردی از زمان انعقاد نطفه و ولادت و جوانی و سالخوردگی تا وارد شدن در قبر میباشد و همچنین دارای تمام شئون اجتماعی و کیفیات زندگانی جامعه بشریت است . هر زمان بهر جا برسی وهر حال را تصور کنی می بینی ایزد دانا در آن واقعه حکمی که دارای اسراری چند است فرموده ودر هر حادثه امری که حائز حکمی چند میباشد نموده است . پس هرکس باین قوانین چنك زند نجات یابد وسعادت مندشود وهرکس از آن اوامر واحکام الهی سر پیچی کند بدبخت و نابود گردد .

ما اطمینان داریم که بزودی اسلام دین اهل زمین میشود و پناهگاه تمام مردم میگردد . چه بشر بقوانین محکمه آن آئین احتیاج دارد و باصول متقنه آن دین نیازمند است واعتنانداریم که چندروزی ملحدین وکفار غالب شوند زیرا قطعاًمیدانیم که بزودی مغلوب شده دین اسلام و پیروانش پیروز میگردند و خداوند متعال هم در آیاتی چند به پیغمبرش خبر داده است :

۱ـ (سوره آل عمران) لایغرنك تقلب الذین کفروا فی البلاد (ترجمه) رفت و آمد آنانکه در بلاد کافر شدند تو را نفریبد .

۲ـ (سوره القلم) فستبصر ویبصرون بایکم المفتون (ترجمه) بزودی توبیبنی و مخالفین توببینند که کدامیك دیوانه هستید .

۳ـ (سوره الفتح ، التوبه ، الصف) لیظهره علی الدین کله (ترجمه) تا اینکه آن دین رابر تمام ادیان ظاهر سازد .

٤ـ (سوره انفال) و یکون الدین کله لله (ترجمه) ودین تمامش خدایرا باشد .

وغیر ذلك از آیاتی که مژده پیروزی اسلام و نابود شدن ملحدین وکفار را میدهد و چیرگی کفار و مشرکین را امری موقت و آزمایش از برای مردم میشمارد .

پیش ازجنك بین‌المللی دوم اضطراب اهل عالم واختلافشان در اداره ممالك وبر افروختن آتش جنك بین خود شان را مقدمه این میدانستیم که اهل زمین بفهمند که قانون وشریعتی غیرازاسلام ضامن سعادت بشر نیست وچاره ای جز تمسك بقرآن نه . و اینکه سعی و کوشش مصلحت جویان و دعوت کنندگان باسلام بزودی مقرون بر ستگاری کامل میشود در حالیکه اطمینان داریم بقول خدای متعال در سوره عنکبوة والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا (ترجمه) کسانیکه در راه ما مجاهده کردند راههای خود را بایشان مینمائیم و نیز درسوره نورمیفرماید:

وعد الله الذین امنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبد وننی ولایشرکون بی شیئا خدا وعده داده است بکسانیکه گروید ند از شما وکارهای شایسته کردندکه خلیفه گرداند ایشان را در زمین چنانکه خلیفه گردانید کسانی راکه بودند پیش ازآنها و متمکن کند ایشانرا دینشانراکه پسندیدآنرا برای ایشان وتبدیل کند مرایشانرا ازبعد خوفشان امن بپرستند مرا وشریك نکنند بمن چیز یرا

چون جنك دوم خاتمه یافت اضطراب عالمگیر شد و یأس بر جمیع طبقات مستولی گردید و تمام ملل در اداره امورشان عاجز ماندند و بزرگترین اقوام در طرز اداره مملکت خود متحیر شدند .

ما معتقد شدیم که وقت آن رسیده که مردم پی باهمیت دین اسلام برده و بقوانین آن عمل کنند . چه محال است که جامعه اصلاح شود

وممالك منظم گردد وبشر سعادتمند شود مگر اینکه باصول دین اسلام معتقد شوند وبفروع آن عمل کنند. در این هنگام آثار خیر ظاهر شد.

مستر عبدالرحمن روسلر نایب رئیس جمعیت مسلمانان آلمان از شهر هامبورك نامه ای بحضرت آیت الله خالصی زاده فرستاده. در این نامه بیان جامعی در تشریح اوضاع آلمان نموده میگوید آلمان بعد از اینکه مدتی در جنگ اخیر بسر برد فهمید که دیانت مسیحیت ناقص و عقائد آن مخالف افکار و تعقلات بشر است و تمدن حالیه فائده ای از برای بشر جز گمراهی و زیان ندارد و در نتیجه محکوم بهلاکت و اضمحلال خواهد شد.

ضمناً بفکر این افتاد که طریقی از برای سعادت جوید و از این شقاوت و بدبختی برهد. تابالاخره فهمید که بسعادت نائل نمیشود مگر اینکه بقانون الهی یعنی شریعت اسلامی چنگ زند.

بهمین جهت پاپ نشست و برخاستی کرد وکلیسای کاتولیك و پرتستان مضطرب شد. هرچه آلمان معرفتش باسلام بیشتر شد از گمراهی و زیان دور شد و برستگاری نزدیك گردید.

دفتر نشریات دینی از مساعی جناب مستر عبدالرحمن روسلر تشکر میکند و ایشانرا یگانه نماینده خود در اروپا می شناسد و از خداوند متعال مسئلت مینماید که اجر جزیل بایشان مرحمت فرماید.

خوانندگان عزیز. این ترجمه مراسله مستر عبدالرحمن روسلر و تقریر جامع ایشان است که بزبان انگلیسی بجامعه مدینة العلم فرستاده اند و دفتر نشریات دینی آنرا بعربی ترجمه کرده است (و ما اکنون آنرا بفارسی ترجمه مینمائیم) تا شما دوستان و برادران خود را در

اروپا بشناسید و مطمئن باشید که دعوت اسلامی در شرق و غرب عالم اثر خود را می بخشد .

سپس ترجمه جوابیکه آیت الله خالصی زاده برای مستر روسلر بزبان انگلیسی فرستاده اند میخوانید .

از خداوند متعال خواستاریم که مسلمانانرا در دنیا و آخرت سعادتمند فرماید ومارا از خدمتگزاران ایشان و دعوت کنندکان بدین مبین اسلام قرار دهد .

اینك عین مراسله مستر عبدالرحمن روسلر بآیةالله خالصی زاده دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشوای محترم آقای شیخ محمد خالصی دامت برکاته

ای برادر اسلامی . سلام بر شما .

ماکتب گرانبهای شما راکه دارای مطالب قیمتی در باره دین اسلام بود و تازه از طرف آنحضرت رسیده بود با سرور و شعف خواندیم . اکنون من از جانب خود و بنیابت از برادران مسلمانم در مقابل این احسان تشکر مینمایم . دوست معظم کتابهای شما رسید ولی معیوب بود امیدوارم در آتیه سالم برسد .

سرورم . ازاراده محکم وکوشش شما در باره نشر احکام اسلامی در اطراف عالم ،خصوصاً اروپا و آلمان بسیار خوشوقتم . لذا درطی این نامه بیانی در باره برادران مسلمان شما در اینجا مینمایم تا از حقائقی که ما با آنها مواجه میشویم مستحضر باشید و رغبت رجال آلمان که در شناسائی قواعد دین اسلام اصرار دارند برای شما روشن شود . همانا این رغبت مانند یك گیاه کوچکی است که نیاز کامل بمساعدت

و پرورش دارد .

من شخصاً معتقدم که ناگزیر باید لغت عرب را بیاموزیم تا قرآن کریم را بفهمیم طبقات مردم اینجا از دانشجویان و نویسندگان و دانشمندان و غیرهم بعربی آشنا نیستند وتنها راهی که میتوانند بآن تعالیم اسلامی را بفهمند لغت انکلیسی است . در آتیه لغت عربی راخواهیم آموخت زیرا حقائق اسلامی چنانکه باید و شایدفهمیده نمیشود مگر بیادگرفتن لغتی که قرآن مجید برآن نازل شده است .

برادر معظم مراد از آنچه تقدیم مقام شریف میشود این است که خاطر مبارك مستحضر باشد و خیلی خوشوقت میشوم که اذن بفرمائید نشریات شما بلغت انگلیسی ترجمه شود تا استفاده کاملی از آن ببریم و آنرا بجمعیتها و مؤسسات مخالفین بفرستیم تا معنی اسلام و حکمتها و اسرار آنرا بفهمند بعلاوه انکشاف اسرار اسلام در آلمان اثر فعالی دارد .

برادر معظم دوست دارم سؤالی از شما بنمایم و جواب آنرا هر چه زودتر بشنوم وآن این است که لطفاً چند سطر در باره معنی احسان و صداقت در اسلام برای ما بنویسید زیرا مردم خیلی مایل هستند که مودت ورفاقت و اسباب آنرا بفهمند وموقعیت آنرا در اسلام بشناسند .

امید وارم که این دعوت مرا اجابت کنید وخواهش مرا بپذیرید که نه تنها خواهش من است بلکه خواهش مسلمانانیست که دعوت شما را بطرق مختلفه شنیده اند لذا آنانرا تشنه فهمیدن این موضوع می بینم . بعلاوه معنی اجابت شما از این طلب موجب دوستی واستوار کردن روابط بین بلاد اسلامی وغیرها خواهد شد . شکی نداریم که مارا نماینده امین خودتان در اینجا میدانید و هرگونه درخواستی از ما بنمائید بوجه احسن می پذیریم وبموجباتش عمل میکنیم . امید وارم که شما هم در مقابل محبت

و مودت براد رانتا ن دوستی صمیمانه د اشته با شید .
بعد ازتقدیم تحیات خالصانه منتظرجواب هستم و السلام علیکم و رحمة الله
خا د م شما وبرادر اسلامی شما، عبدالرحمن روسلر

تأسیس جمعیت اسلامی در هامبورك

بعد ا ز تجزیه آلمان سنه ١٩٤٥ این جمعیت د ر هامبورك یکی ا ز شهرهای آلمان د فعه د یگر ا ز طرف مستر عمر شو بر ت و مستر عبدا لرحمن ر وسلر ودوستا ن د یگری ا ز مسلما نا ن تشکیل شد و د ر ٣١ کا نون د وم د وا ئر و قوا ی رسمی ، این جمعیت را برسمیت شنا ختند. بعد ا ز این ، جمعیت باسرعت محسوسی درکار خود پیشروی کرد و هد فها ی خود را پیروی نمود و ا غرا ض خود را پخش کرد و مقا صد خود را د نبا ل نمود. اکنون خلاصه آ نها را میخوا نید
این جمعیت برا ی عموم مسلمانا ن کار میکند و در شئون حیا تی ایشان کوشش مینما ید و برا ی نزد یك شد ن ایشان بیکد یگر بروفق شریعت ا سلامی و تعا لیم محمد ی سعی واهتما م میکند و درکارها ی خو د هیچ منظو ر و مقصود ی جز ر ضا ی خد ا وا ستوا ر کرد ن محبت بین بشر عموما و مسلما نا ن خصوصا ند ا رد. زیرا هیچ چیز نمیتواند تما م بشر رابهم مربوط کند مگرد ین ا سلام لذ ا این جمعیت شروع بنشراحکام و تعا لیم اسلا می نمود .

مد یرا ن جمعیت

١ـ مستر عمر شوبرت : ٦ شباط ١٩٠٥ میلادی درشهربرلین متولد شده ودر١٢شباط ١٩٣٠ داخل حظیره اسلامی شدبواسطه معلو ما ت زیادی که در باره اسلامیت داشت بریا ست جمعیت ا نتخا ب گردید .

وی د ر بد ترین حا لات زندگا نی ا ظهار محبت خد ا میکرد .

د وستا ن زیا دی د ر اطراف عا لم دارد و د ا رای ا طلا عا ت بسیا ری د ر ا طرا ف تا ریخ ا سلام میبا شد .

مقا لات ز یا د و مبا حثا ت و گفتکو ها ی بسیار ا ودرباره دین ا سلام دلیل بر کثرت معلوما تش میبا شد

این شخص خود را تخصیص بخد مت خد ا وتعا لیم ا سلامی داده است ـ

۲ ـ مستر فرا نس ار یخ (عبد ا لرحمن روسلر) : ۵ نیسا ن ۱۹۲۱ میلا دی د ر شهر ها مبورك متولد شد ودر سن چهارده سا لگی بصورت رسمی اسلام قبول کرد

اکثرعمرش بلکه تمام عمرش رادرترویج اسلام صرف کرد ودرسخت ترین حا لات زندگی ا خلا صش را ثابت داشت و بنیابت ا ز ر ئیس جمعیت انتخا ب شد .

مقالات دینی بسیاری در مجلات اسلامی مانند : (اورنبت پست برلین و در مجله اسلامی در (انکلترا) منتشر کرد .

مقر جمعیت

مقر جمعیت د ر هامبورك در ر کتنهاید است و ا ین اداره مخصو ص شئوون خارجی است و هر مراسله ای که برای جمعیت ارسا ل میشو د باید بآن عنوان باشد .

این دائره د ر عمارت بلند ی که دارای باغ وسیعی است واقع شد ه و نائب رئیس جمعیت دراعیاد واجتماعات ومجالس خصوصی درمهمانخانه این مؤسسه پذیرائی میکند.

اجتماعات شاهده

مستر عمر شو برت ومستر عبد الرحمن روسلر از سالیان دراز با یکدیگر دوست بودند و با رجال جامع برلین همکاری میکردند بعد از تأسیس جمعیت پایه دوستیشان محکمتر گردید .

مستر عمر شوبرت باتفاق آراء برای مدیریت دوائر خاصه هامبورك انتخاب شد و مستر عبدالرحمن روسلر برای مدیریت دوائر خاصه برکتنها ید شلیوك و هولشتنی و جمعیتهائی که ذیلا ذکر میشود منتخب گردید .

١ـ جامع برلین
٢ـ جمعیت مسلمانان آلمان در برلین .
٣ـ شعبه اتحاد عالم اسلامی اسکندریه مصر در آلمان .
٤ـ پخش کنندگان آداب انجمن احمدی لاهور پاکستان
(این جمعیت قادیانی نیستند)

در اینجا مؤسسات دیگری هست که در آتیه نزدیکی بما ملحق خواهند شد این همکاری نتایج خوبی بخشیده است چنانکه مابهمکاری جامع برلین باسخنرانیها و پخش دعوات اسلامی در آلمان غربی کمال سعی وجدیت را داریم و پیوسته جامع برلین پر از مسلمانان است .

افکار آلمان بعد از جنك

جنك خانمانسوز اخیر که در سال ١٩٤٥ خاتمه یافت بسیاری از بدبختیها را در آلمان ایجاد کرد .

بعد از جنك روحیه تجری بر جنایات ، خودکشی ، آدم کشی دزدی وانواع فسق وفجور در آلمان ظاهر شد . دسائس و حیله گری ها وبی

رحمی و بی انصافی شیوع یافت اطمینان مردم از یکدیگر سلب شد، کفر و الحاد رایج گردید. معظم شهرها و دهکده ها را فقر و بد بختی و خرابی فرا گرفت زنان بی شوهر و اطفال یتیم در گوشه خرابه ها گرسنه بی جا و منزل بسر میبردند و بسیاری از ایشان دراثر جنك فاقد بعض اعضاء شده بودند و هیچکاری از دستشان بر نمیآمد. ملیونها مردم گرسنه که وسیله ای برای ارتزاق نداشتند در اطراف شهرها دیده می شدند. احتیاج شدید مردم بأجناس واشیاء ضروری ایجاد بازار سیاه نمود. اعمال مجرمانه سلب خرد از جوانان کرد و ایشانرا متشبث بآراء وخیالی جنون آمیزی نمود وچنان درکار خود متحیر شدند و در وادی ضلالت و گمراهی قدم بر میداشتند که نمیدانستند چه بکنند و بچه راهی بروند این دسته امروز هم بر همین حالت پست باقی هستند.

اوضاع آلمان بعد از تشکیل حکومت

بعد از خاتمه یافتن جنك، آلمان بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم گردید دسته دسته مردمان شکست خورده آلمان شرقی متوجه غرب شدند در صورتیکه آلمان غربی خود پرجمعیت ودربازار سیاه محتاج باشیاء ضروری بود ودرنتیجه عدم مناسبت کثرت جمعیت وقلت نقدینه وگرانی اشیاء مورد حاجت، بیکاری در بین مردم شیوع یافت و فقراء وبینوایان زیادگردیدند. اطفال وزنان ومردان بیچاره ای که خانه ای نداشتند که خود را درآن از سرما وگرما حفظ کنند وغالبا در خرابات بسر میبردند و نمیدانستند چه میکنند وکجا میروند از قانون حکومت سرپیچی کردند. تشکیل حکومت در آلمان و تسلط بربنگاهها ایجاد جلوگیری سختی از مردم کرد سپس حزبهای متعددی که از این اوضاع

منضجر بودند پدیدار شده کم کم اشیاء مورد حاجت عموم تنزل فاحشی
کرد ومحتکرین مجبور شدند اجناس احتکاری را درمعرض فروش قرار
دهند اوضاع روز بروز رو به بهبودی گذاشت ونتایج نیکوئی برخلاف عوامل
خارجی بخشید . ازچیز هائیکه ذکر آن قابل اهمیت است این است که
چون اوضاع آلمان که بواسطه سوء تصرفات مردان ستمگر ومحتکر که
طمع وحرص دنیاچشمهایشان را کور کرده بود و برادران خود را بیچاره
و گرسنه نموده و باد سیسه های خیانت آمیز خود بر بد بختی و
بیچارگیشان افزوده بودند دگرگون شد تولید جزع و بی صبری
در نفوس کرد ومردم راازمعنویات دور نمودولی از کمك و پشتیبانیهای
نا منظم و بی سابقه ای که میشد امید بهبودی وضعیات حاصل میشد تا
اینکه بالاخره مردان مصلحت جوئی که دعوت ببرادری و دوستی بین
افراد بشرمیکردند ظاهر شدند این دسته هرچند پیشرفت سریعی نکردند
و بنتایج محسوسی نائل نشدند ولی توانستند که ایجادسکونت وخاموشی
درنفوس بنمایند ومردم رابکارخیر ومهربانی تشویق نمایند .

چونکه حکومت در آلمان شرقی بر قرار شد مردم شروع کردند
بباز گرداندن افعال نیکی که پیش از جنك داشتند و اصلاح مفاسدیکه
در اثر جنك روی داده بود و تخم راستی ودرستی و نیکوکاری در نفوس
میکاشتند تا بتوانند بعد از مدتی از آن بهره ببرند وملت جوان خود را
بار دیگر ترقی دهند .

چونکه ملل دیگر دعوت آلمانرا بدوستی و برادری دیدند بنای کمك
و همراهی را با او گذاردند و خانه های سکنائی و سالن ها برای جمع
شدن جوانان مهیا نمودند و کتابخانه هائی باز کردند تامردم از آن استفاده
کنند . بنا بر این اوضاع آلمان رو ببهبودی گذاشت و مردم پس از اینکه

مدتها از ترقی و تعالی مأیوس بودند امید وار شدند . جوانان آلمان مثل شکوفه‌ای که میشکفد و ذر درخشندگی نور پرورش میبابد و نمو میکند از نظریات پست وقد یمی‌خود دست بر داشته اند و معتقد بنظریاتی هستند که موافق طبیعت است و با اکتشافات عصر حاضر مخالفت ندارد

افکار امروز آلمان

حوادثی که اخیراً در آلمان واقع شد ایجاد اضطراب و نگرانی سختی نموده مردم میترسند که جنگ تازه ای بر پا شود و هیچ چیزرا باقی نگذارند . تمدن وسیاست واقتصاد را از بین ببرد .

این اضطراب موجب خودکشی هائی ازمردان وزنان شده‌است خصوصاً کسانیکه ترس جنگ آینده ایشانرا گرفته و از روشن شدن آتش جنگ بابمبهای اتمی و هیدرژنی و سائر اسلحه جدیدالاختراع میهراسند .
همچنین موجب امراض عصبی بسیاری شده است ومرضی را چنان مخبط کرده که نمیدانندبکدام طرف متوجه شوندو کیست که دستشانرا بگیرد و بساحل سلامتی برساند مگر کسانیکه خدا ایشانرا بصیرت بخشوده و معرفت در باره دین پیدا کرده اند .

حالت امروز کلیساهای آلمان

کلیسا ها برحالت سابق وجمع کردن‌مردم بر وفق تقلید ها ی قدیمی محافظت میکنند

مسیحی که بتواند خدا را از روی ادله صحیح اثبات کند نادر است و همچنین کشیشی که‌ضروریات شرایع وعقاید ایمانی را با ادله عقلی روشن نماید بسیار کم است .

کشیشها همی جز جمع کردن مردم و خواندن قسمتی از انجیل ندارند . گاهی بعض فقرات معینی از آنرابصورت یک‌قصه تاریخی که‌هیچ

مناسبت باتمدن عصرحاضر ندارد وبرای شنوندگان هم مفید کوچکترین فائده نیست شرح میدهند . جمیع مستمعین هم بخدا معتقد هستندوانجیل را یگانه کتاب در عالم میدانند وخطیب برایشا ن تلقین کرده که از طلب دلیل وبرهان چشم پوشی و خود داری کنند .

من یکروز د ر مجلس موعظه حاضر شد م تمام مردم ساکت نشسته بودند . حیرت درسرتا سر محفل حکمفر ما بود . کشیش بوعظ بروش عقیم خود مشغول بودبالاخره مردم از این کیفیت خسته شدند و ازوضع کلیساواظهار تنفر میکردند تاچندی بعد بیش از چند د رصد شا ن بکلیسا حاضر نشدند تا اینکه کلیسا ئیا ن متوجه شدند و در مقام اصلاح وضعیت کلیسا وایجاد وسائلی برای جمع مردم بر آمدند

کلیسا پروتستان در آلمان شما لی مواجه مشکلات زیادی ا ز طرف مسیحیان تابعش میشود . پروتستانهامعتقدند که کشیشها اعتقادبگفتار شان ندارند و مقید بوعظشا ن نیستند و آنچه را بخش میکنند عاری از حقیقت است وعقل تأییدش نمیکند ونظریات جدید موافق آن نیست .

جوانان پرتستان بلکه عموم مردم متحیرند که رجوع بآرله تقلیدی که معتقدبآنهانیستند ومخالف طبیعت وفطرت بشری است نمایندیااینکه ا ز آنها د ست بر دارند و نیز نمیتوا نند که نظریا ت جد ید ی موا فق مقتضیات عصر حاضر ایجاد کنند ، و چاره ا ی ندارند جز اینکه متوسل بقوانین اسلامی شوند .

کلیسا کاتولیکی رومانی که در وسط آلمان جنوبی واقع شده نفوذ کا ملی د ر تا بعینش دارد . با ا ینکه عقاید و تعلیماتش مخالف حقیقت و معارض واقع است ولی تظاهر با بهت میکنند . د ر مجا لس و محافل بزرگی که تشکیل میدهد بیاناتی را بخش مینماید . گاهی هم اعلاناتی

منتشر میکند و نمایشائی از دستجات کاتولیك میدهد و در میان جمعیتها ناله پاپ بگوش میرسد که باصدای (هورا) و (زنده باد) استقبال میشود.

در سال گذشته پاپ بیان رسمی که مبنی بر صاد قتر بن عقیده بود منتشر کرد و آن این است: « مریم مادر خدا روحاً وجسماً بآسمان رفته است ».

هنگامیکه نمایش این تصریح رسمی در سینماهای هامبورك داده شد حضار از استهزاء و مسخره غرق خنده شدند.

هزاران نفر در جلو قصر واتیکان در ایتالیا و در کلیسا (سنت پطرس) دیده میشوند که منتظر شنیدن کلام پاپ هستند که بگوید کلیسا کاتولیك از حیث قوی و تقلیدات مهمتر از کلیسا پروتستان است »

کاتولیك ها هم از اینکه قوه و تقلید کلیسا کاتولیك بیشتر است اظهار تمسك بآن میکنند و غفلتد از اینکه اصول و تقلیدات آن با کلیسا پروتستان یکی است.

بسیاری از مردم نادان که فکر شان پست است واسطه ای که ایشان را بخدا مربوط سازد جز کلیسا نمی شناسند و لذا نسبت بکلیسا بتقلید و اطاعت کور کورانه اظهار علاقه مفرطی میکنند ولی روشنفکران چون فهمیدند که این عقاید و تقلید ها هیچ فائده ای ندارد آنها را ترك کردند.

اخیرا کشیشها ناچار شدند برای اینکه در آینده یکعده پیرو داشته باشند نسل جدید را بر وفق شهوات ومیل خود شان پرورش دهند و برای این کار وسائل گوناگون فراهم کردند. گاهی مجالس سخنرانی و انجمنهای دینی تشکیل دادند گاهی احزاب و دستجات درست کردند وزمانی محافل رقص و آواز بر پا نمودند و گاهی هم روایات دینی بعقیده خودشان نقل میکردند تا اینکه درسی برای نسل آتیه باشد ولی این فکر هم

بیهوده وغیر مفید ، واقع شد زیرا مردم مطالبه دلیل و برهان بر وجود خدا و احکام پیغمبران میکردند تا اینکه بدون واسطه کلیسا و کشیش بآنها برسند و کشیشها گفته بودند که بندگان بدون واسطه کشیشها نمیتوانند بخدا برسند .

خلاصه : اینکه اغلب جوانان آلمانی پی آزادی عقیده ، بردند و شروع کردند به تبلیغ در نظریات وعقائد تا بر اصلی که ضامن سعادت و نجات دهند ، از مهلکات است مطلع شوند تا از غرق شدن در دریای شك و اضطراب نجات یافته بساحل یقین واطمینان برسند .

برای نیل باین مقصد پسران ودختران درمدارس عالیه ازدحام کردند تا انواع علوم مخصوصاً طبیعیات را بیاموزند زیرا عقیده دارند که نمیتوان بخدا رسید مگر اینکه اسرار طبیعت کشف شود .

معرفت آلمان در باره اسلام

مردم آلمان ازاسلام چندان خبری نداشتند و پی باهمیت آن نبرده بودند تا اینکه در اضطراب عالمگیر بعضی از احزاب فرصت را غنیمت شمرده شروع کردند به پخش مبادی واصول اسلامی بهر اندازه ای کـه میتوانستند و قدرت داشتند .

این فعالیت اثر خوبی بخشید بطوریکه بسیاری ازمردم مسلمان شدند .

کلیسائیان که این وضع را مشاهده کردند از هر طرف بر مسلمانان حمله کردند و تهمتهای کفر آمیز باسلام زدند و نسبت های بی اصل مبنی بر الحاد و نفاق و زندقه بمسلمانان دادند ولی عاقبت خود شان ضرر کردند .

اسلام وآلمان

بعد از سال ۱۹٤٥ مسلمانان شروع کردند به تبلیغ اسلام واینکه تنها ضامن سعادت انسانی و یکتا کفیل نجات جامعه بشری احکام این دین مقدس است و مکتشفات علمی جدید تایید قوانینش میکند . این خبر با حسن اقبال و استقبال مردم مصادف شد و همین استقبال سبب سقوط پاپ گردید . پاپ که این جریان را مشاهده کرد بر آشفت و دیگر نتوانست اعصاب خود را خاموش نگاه دارد در تاریخ ۱۷ تشرین دوم ۱۹٤۹ توسط فرستنده برلین به پیروانش پیام فرستاد و از ایشان درخواست کرد که نزد خدا تضرع و زاری کنند که انتشار اسلام در آلمان موقوف گردد ولی این دعا مستجاب نشد و این تضرع کوچکترین اثری نبخشید و اسلام بسرعت پیشرفت خود باقی ماند و دعوتش بزودی منتشر شد و موفقیتهای شایانی نصیب مسلمانان گردید .

بعد از اینکه مرض را تشخیص دادیم طریق علاجش را فهمیدیم و راه استعمالش را نیز روشن کردیم و بیاری خدا موانع را برطرف نمودیم ودر پخش دعوت اسلامی تنها بر او توکل میکنیم و باو پناه میبریم .

شعار ما اسلام و پیشروی در زندگانی است واین دو اصل ضامن سعادت همیشگی و کفیل خوشبختی جاودانی است .

بواسطه این پیشروی توانستیم اجازه ای از حکومت رسمی برای تاسیس جمعیت اسلامی که بردو ستون محکم (مبدء دین اسلام ونشر پرچم صلح وسلام درتمام عالم) برپاست بگیریم . دوستان متنفذ ما هم در آلمان ما را در این امر یاری کردند و آزادیخواهان هم بعداز اقامه دلیل وبرهان مساعدتشانرا اعلام داشتند . ماداميكه باب

دلیل کاملا بارز است نشاط و سرعت عمل ما روز افزون میباشد .

اعمال جمعیت

این جمعیت پیوسته بسیر سریع خود ادامه داده و درمحکم کردن اصل دوستی و اتحاد جمعیتها کوشش فراوان کرده است ودر این راه موفقیتهائی نصیبش شده و اخیراً مرکز اسلامی بزرگی ایجاد نموده است .

ما هرجمعیتی را که غرض سیاسی نداشته باشد وتمام همتش را صرف ایجاد دوستی بین بشر نماید و صلاحیت همکاری ما را داشته باشد خواه مسلمان وخواه غیرمسلمان خواه دراین سرزمین وخواه درخارج بهمکاری می پذیریم و کاملترین استعداد و آمادگی رابرای تدریس و تعلیم مبنی بر محکمترین اساس و روشنترین مبانی علمی داریم . تالارها سالنهائی که دارای کتابخانهای بزرك استوآزمایشگاههائی که مجهز بتازه ترین اسباب وآلات است در اختیار ماست . سالنهای خطابی ما دارای بلند گوهائی است که در مواقع لزوم ازآنها استفاده میشود .

تمام این وسائل برای رضای خدا تهیه شده است و پیوسته اثبات صانع او از روی ادله عقلی وبراهین قطعی وترویج دین وتبلیغ آئین او میکند و در راه نجات و سعادت بشر فعالیت مینماید .

بنا بر این محور اعمال ، سعادتمند کردن مسلمانان جهان و بیان کردن حقیقت اسلام برای مردم وایجاد برادری بین ایشان است .

ما در نظر داریم یك جمعیتی با تمام امانت و اخلاص تشکیل دهیم و در تقویت هر عضوی در عالم اسلامی بکوشیم و اگر باین کارموفق

شد یم میتوانیم یك اتحاد اسلامی در دنیا ایجاد کنیم واین امرمتوقف براین است که هرفرد مسلمان خود را یار وهمکار این جمعیت بداند

اساس موفقیت جمعیت‌ما : بر اتحاد و تعاون و همکاری و دوستی حقیقی بین مسلمانان است چنانکه اساس موفقیت هر جمعیت یکانگی و همکاری است بناً بر این جمعیتهای اسلامی باید با یکدیگرهمکاری نمایند و باهم نزدیك شوند تا پیکر اجتماعشان سالم و دارای اعضاء صحیح باشد و نیز دوستی و مهربانی و عاطفه خود شان را نسبت به بنی نوع خود اظهار نمایند تا اینکه تمام مردم حقیقت دین وطریقه ایشان را بفهمند .

بیشتر مردم از حقیقت اسلام خبری ندارند و ازآن جزآراءمغلوطی نشنیده اند ولی وقتی مسلمانان احکام دین خود را که مبنی بر صلح و صفا و محبت ومودت است اظهار کردند تمام مردم ازایشان‌پیروی میکنند و باایشان همکاری مینمایند در نتیجه تمام افراد بشر بفضل اسلام بهم نزدیك و باهم متحد میشوند .

ما انتظار داریم که شما در این حقیقت که مرام اسلام است ما را تایید کنید و بمسلمانان توصیه نمائید که با ما همکاری و همراهی نمایند .

من یقین دارم که شما از اعمال ما خوشحال خواهید شد وازجمعیت ما تقدیر خواهید کرد زیرا منظور ما فقط تبلیغ دین اسلام و اظهار حقایق آن و ایجاد صلح و دوستی بین افراد بشر است و از آن پیشوای بزرك درخواست میکنیم که با ما همکاری و همراهی نمایند و دوستان خود را بر اتصال بما تشویق نمایند .

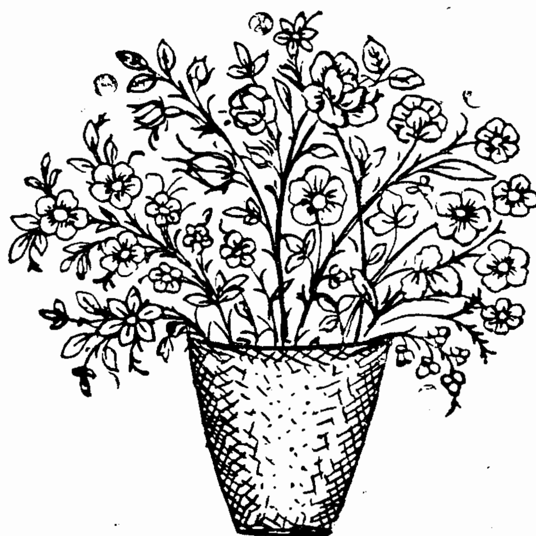
برادر محترم . مردم در اینجا خیلی میل دارند که بر آراء و معارف

اسلامی شما آگاه شوند واز معلوماتتان استفاده نمایند ما نیز بسهم خود از مقام آنحضرت درخواست میکنیم که برادران مسلمان خود را به بیان معارف بهره مند سازند .

درخاتمه منتظر الطاف و مراحم آنجناب هستیم و امید واریم که مراسلاتشان را قطع نفرمایند وما را از علوم اندوخته خود بهره مند کنند و برادران اسلامی خود شانرا در اینجا کمك نمایندودستورات واقعی اسلام را تعلیمشان نمایند تا در نتیجه عمل بآنها بسعادت ابدی نائل شوند .

ما هم وظیفه خود میدانیم که آنچه از تعالیم حقیقی اسلام را بفهمیم عمل کنیم و از خدا توفیق میخواهیم .

خادم وبرادر شما . عبد الرحمن روسلر



جواب آیت الله خالصی بجناب مستر روسلر

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بعد . مکتوب شما که مشتمل بر بیان وضع آلمان و مسلمین آنجا بود رسید .

ما از سعی شما در دعوت اسلامی و نشر تعالیم این دین مقدس و از اهتمامتان در ایجاد اخوت اسلامی که مقدمه برادری و دوستی تمام بشر است و از یقین باینکه هیچ چیز نمیتواند بشر را از مهلکات نجات دهد ونه سعادت وبرا تامین کند و نه اورا از مصائب روزگار برهاند مگر دین اسلام و از کوشش شما در اعلاء کلمه حقه تشکر میکنیم وبنشر ترجمه نامه وتقریر شما اقدام میکنیم تا مسلمانان برادران خود شان را در هامبورك و برلین و سائر بلاد آلمان و تمام اروپا بشناسند وبا ایشان در نجات دادن بشر ازانحطاطش بواسطه دوری از خدا و تعالیم اسلامی کمك نمایند .

شکی نیست که هیچ چیز آلمان را بعد از جنك اخیر از سقوط نجات نمیدهد مگر چنك زدن بقوانین اسلامی که در قرآن واحادیث صحیحه بیان شده است بشرط اینکه از شائبه اوهام وخرافات و از دسائسی که یکعده برای رسیدن بمقاصد شوم خود داخل دین اسلام کردند مبری باشد بنا بر این دعوتی هم که میشود باید خالص برای خدا واز هر عنوان شخصی عاری باشد نه قادیانی (بفرض اینکه این طایفه از اسلام باشند) و نه احمدی و نه شیعی و نه سنی بلکه قرآن و احادیثی که تابع قرآن است و تنها بهمین طریق ، اسلامی که پیغمبر

محترم از جانب خدای متعال برای سعادت بشر آورد ظاهر میشود من مکرر در خطبه های نماز جمعه ایکه در کاظمین اقامه میشود در حضور هزاران نفر مسلمانان از جمعیت شما تعریف کردم و از دعوت صادقانه شما تمجید نمودم و برادران اسلامی شما بسیار شاد شدند وخبر این جمعیت اسلامی زینت مجالس شد . اکنون هم چشمها منتظر و گوشها متوجه و گردنها کشیده شده است که پیشرفت شما را در دعوت حقیقی اسلامی ببینند و رد بر پیروان تمدن دروغی امروز و فرق ضاله را بشنوند .

بدیهی است که غضب پاپ وخشم کلیسا تنها نمیتوانند مانع پیشرفت کسی شود که دوست بشر است و طالب سعادت اوست ومیخواهد جامعه را از آنچه بسبب تعالیم کلیسا که مخالف مکتشفات علمی و اسرار طبیعت وروحیه عصر حاضر است در آن واقع شده نجات دهد واز تثلیث مسیحیت که از اوهام قرنهای گذشته بوجود آمده وموجب بی دینی که مستند بمادیت است شده است خلاصی بخشد و از قوانینی که موافق با عدالت و انصاف نیست جلوگیری کند .

اگر مکتشفین عالم و مخترعین و جمیع متفکرین و بزرگان و دانشمندان اسلام را شناخته بودند و قوانین آنرا چنانکه قرآن بیان میکند و احادیث صحیحه تاییدش مینماید دانسته بودند بر روی زمین نه یك ملحد مادی یافت میشد ونه یك مفسد شهوت پرست ولی انتشار مسیحیت بین علماء مادی ودانشمندان طبیعی ومخفی بودن اسلام بر ایشان باعث کفر و فساد شان گردیده است و شما هرگاه حقیقت اسلام را اظهار کنید و بجهانیان بفهمانید بر کفر و الحاد حکم فرما میشوید و فساد را بدل بصلاح مینمائید و خدا را از خود

راضی میکنید و حق ا نسا نیت را ادا مینمائید خوا ه نا د ا نا ن خشنود شوند خوا ه غضبنا ك و خشمگین گردند وجزاء شما اجر و ثواب جزیل ا ست زیرا شما مشمول این آیه شریفه خواهید شد (آنا نکه پیامها ی پروردگا ر را بمردم میرسا نند و ا ز ا و میترسند ا ز د یگری خو ف نخوا هند د ا شت)

مسلما نا ن هم نه تنها در عرا ق و ایرا ن بلکه در تما م عا لم دعوت‌شما را تا یید میکنند و د ر پنها نی و آشکا را با شما همکا ر ی و همرا هی مینما یند . برا ی همین مقصد عالی جامعه ما (جا.معة مد ینة العلم للامام الخا لصی الکبیر) هم تا سیس شده است . اساس این جمعیت رامرحوم والد قد س سره پیش ا ز چهل سال تقریبا وضع کرد وقوای دولتی بدون جهت با این جمعیت مخا لفت و مقا ومت کرد ند و آنراازسیربا زداشتند تا ا ینکه بعد ا ز مدتی من موفق شدم که این اسا س را محکم کنم واز مقصود عا لی پد رم پیروی نمایم .

این جمعیت هنوز در ابتد ا ء نشو ونما است و بسن رشد نرسید ه ا ست و سیرش بسیار بطی و کند است زیرا مرامش بالاترین غایات است ودر راهش سخت ترین گرد نه ها میبا شد بزودی ا نشا ء ا لله راهها را صا ف کرده واز آنها میگذ رد و بعا لمیا ن میفهماند که سعا دت چیست و آ ن یا فت نمیشود مگر با سلا م .

جمعیت ما مفتخر است که درخواست شمارا بپذیرد یعنی شمارانماینده خود در اروپا بدا ند تا اینکه تعاون بربروتقوی حا صل شود.

ضمنا نوشته بودید که‌چند کلمه‌ای درباره (برادری ودوستی ونیکوکاری در اسلام) برای شما بنویسیم . اکنون سخنی دراین باره ذکرمیکنیم. ا مید واریم که د ر نا مه ها ی اروپا بزبانها ی مختلفه درج فرما ئید و

نسخه ای از آنها را برای ما بفرستید .

محبت واخوت و احسان در اسلام

دین مبین اسلام دارای اصل استواری است که در هیچ دین وآئینی یافت نمیشود و بشر از روزی که خلق شده است تا روزقیامت اهمیت این اصل را بجز در اسلام ندیده و نخواهد دید و آن (دوستی و برادری و نیکوکاری) است .

محبت در اسلام بین خدا و پیغمبر و تمام افراد بشر قرار داده شده است . (سورة البقره آیه ۱۶۰) میفرماید (**والذین آمنوا اشد حبا لله**) کسانیکه ایمان آورده اند دوستیشان مر خدا بیشتر است (سوره آل عمران . آیه ۲۹) میفرماید (**قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله**) بگو اگر خدا را دوست میدارید پیروی من کنید تا خدا هم شما را دوست دارد (سوره حجرات . آیه ۷) میفرماید (**لکن الله حبب الیکم الایمان و زینه فی قلوبکم**) لکن خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در قلوب شما زینت نمود . (سوره البقره آیه ۱۹۱) میفرماید (**واحسنوا ان الله یحب المحسنین**) نیکوکاری کنید همانا خدا نیکوکاران را دوست میدارد . ذکر دوستی خدا نسبت به نیکوکاران در قرآن بسیار تکرار شده است (سوره النحل آیه ۹۲) میفرماید (**ان الله یامر بالعدل والاحسان**) همانا خدا به دادگری و نیکوکاری امر میکند و درآخر همین سوره آیه ۱۲۹ میفرماید (**ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون**) خدا با پرهیزکاران و نیکوکاران است (سوره القصص آیه ۷۸) میفرماید خطاب بقارون (**واحسن کما احسن الله الیك**) نیکوئی کن چنانکه خدا نسبت بتو نیکی کرده است . این آیه شریفه دلالت میکند که ثروتمندان

بشکرانه اینکه خدای بایشان احسان کرده است باید بر فقراء و بینوایان ببخشایند . در اخبار زیادی وارد شده است که خدا هرکس را مال و مکنت بخشید باید شکرگذاری کند نه بلفظ تنها بلکه با حسان و بذل آن (سوره الرحمن آیه ۶۱) میفرماید هل جزاء الاحسان الا الاحسان) آیا جزای نیکی غیراز نیکی است . این آیه شریفه دلالت میکند که هرکس بدیگری نیکی کرد بایدتلافی نماید . نبی اکرم (ص) فرمود احب لغیرك ما تحب لنفسك . آنچه برای خود دوست میداری برای دیگران هم دوست بدار . پیغمبر اسلام در این حدیث شریف تمام بشر را مشمول این دوستی قرار داده است یعنی باید تمام افراد بشر یکدیگر را دوست بدارند .

قرآن کریم تنها کتابی است که امر به نیکوکاری نسبت بمخالفین هم کرده است .

(سوره ممتحنه آیه ۹۸) میفرماید لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین) خداوند شما را نهی نمیکند ازاینکه نسبت بکسانیکه با شما در راه دین مقاتله نکردند و شما را از خانهایتان هم خارج ننمودند نیکی کنید و دادگری نمائید همانا خدا دادگران را دوست میدارد . قرآن مجید باین اندازه هم کفایت نکرده است حتی اینکه فرموده نسبت بکسانی هم که بمسلمانان ظلم کردند نیکی و عدالت کنید و در (سوره مائده ـ آیه ۲ و ۳) میفرماید :

یا ایها الذین آمنوا لا تحلوا شعائر الله و لا الشهر الحرام و لا الهدی و لا القلائد و لا آمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم و رضوانا و اذا حللتم فاصطادوا و لا یجرمنکم شنآن قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی و لا

تعاونوا علی الاثم والعدوان واتقوا الله ان الله شدید العقاب ،
این آیه مبارکه میفرماید که شعائر و شهرحرام و هدی و قلائد
که از اعمال جاهلیت است بجای خود محفوظ باشد و مسلمانان
هم نیز انجام دهند زیرا ضرری ندارد بلکه منفعت هم دارد و موافق
توحید است . هنگامیکه مشرکین مکه پیغمبررا از حج باز داشتند
خدا میفرماید این ظلم مشرکین باعث تجاوز شما بر ایشان نشود
بلکه شما نسبت بایشان نیکی کنید و در آیه دوازدهم از همین سوره
بمردم امر فرموده است که در کارها طالب خشنودی خدا و مجری
حق و عدالت باشند و نهی فرموده از اینکه عداوت موجب عدم
عدالت بشود و فرموده که نسبت بد شمنان هم نیکوکاری ودادگری
کنید و آنرا نزدیکتر به پرهیزگاری شمرده است (هو اقرب للتقوی)
وسپس امر بتقوی کرده و مخالفین را بعذاب وعقاب انذار و تهدید فرموده است
(سوره مائده آیه ۱۲) یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء
بالقسط ولا یجرمنکم شنآن قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی
واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون) ای کسانیکه ایمان آوردید برای
خدا ایستادگی کنید و شهادت بعدالت بدهید و دشمنی یکدسته
باعث گناه شما نشود که عدالت نکنید دادگری نمائید که عدل بتقوی
و پرهیزکاری نزدیکتر است و پرهیزکار باشید همانا خدا بکارهای
شما آگاه است .

وقتی یك دسته پیغمبر اکرم (ص) را اذیت کردند یکعده از اصحاب
وی سوگند یاد کردند که دیگر باین قوم ستمکر احسان نکنند واز
صدقات محرومشان نمایند پروردگار از این کار نهیشان فرمود و
بعفو و صلح تشویقشان نمود و اعلام کرد که هر کس میخواهد عفوالهی
شامل حالش شود باید از بدکاران درگذرد (سوره نور آیه ۲۲)

میفرماید ولا یاتل اولوالفضل منکم والسعة ان یؤتوا اولی القربی والیتامی والمساکین والمها جرین فی سبیل الله ولیعفوا ولیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم والله غفور رحیم) ثرو تمندان و فراخدستان کوتاهی و کندی نکنند از اینکه از مال خود بر نزدیکان و یتیمان و گدایان و بینوایان و مهاجرین فی سبیل الله ببخشند . و باید عفو کنند و از بدکاران در گذرند آیا دوست نمیدارید که خدا شما را ببخشد و خدا آمرزنده و مهربان است .
قرآن کریم باحسان بمسلمین وغیرمسلمین اکتفا نکرده بلکه مسلمانان را برادر هم دانسته است سوره حجرات . آیه ١٠) میفرماید : انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم ، جز این نیست که مؤمنین برادران هستند پس اصلاح کنید بین دو برادر خود را . این آیه شریفه امر فرموده است که در موارد اختلاف و نزاع مسلمانان اصلاح نمایند و برادری خود شان را بر قرار نگهدارند . (سوره آل عمران آیه ٩٨) میفرماید فاصبحتم بنعمته اخوانا در این آیه بیان فرموده است که یکی از مقاصد اسلام این است که تمام مردم باهم برادر و دوست باشند و عداوت وخصومت را ترك کنند .
هنوز باین مقدار هم کفایت نکرده در سوره نور آیه ٦١ میفرماید فسلموا علی انفسکم تحیة من عند الله مبارکة طیبة . در این آیه برادر مسلمان را نفس مسلم قرارداده ومیفرماید سلام کنیدبرخودتان . انسان همینطور که سلام وسلامتی را برای خود دوست میدارد لازم است برای دیگران هم دوست بدارد پس سلام بر غیر سلام بر خویشتن است و این است تحیت مبارك پاکیزه .
از اینجا فهمیده میشود که دعوت اسلام همان دعوت بسلام عام میباشد

در قرآن مجید امر باحسان وتقوی بسیار است و ما اگر بخواهیم تمام آنها را بیان کنیم باید کتاب بزرگی در این باره بنویسیم برای رعایت اختصار بهمین مقدار اقتصار میکنیم پیغمبر اسلام بگفتار تنها کفایت نکرد وعملا ایجاد اخوت و برادری بین مسلمانان کرد وخود نیز با علی بن ابیطالب (ع) برادر شد .

در اینجا باز تکرار میکنیم که هیچ دینی نیامد و هیچ قانونی وضع نشده که مثل اسلام امر باحسان و محبت واخوت بنماید و اهتمام به اصلاح بشر داشته باشد بدون هیچ فرقی در رنك و نژاد وقد و قامت بنا بر این اصلاح بشر وسعادت افراد مردم و نظم عالم ممکن نیست مگر بعمل بقوانین اسلام .

هرچه مکتشفات علمی و صنایع بیشترشود وملل واقوام بهم نزدیکتر گردند احتیاج بقوانین اسلامی و احکام الهی بیشتر میگردد برای اینکه این شریعت مقدس فقط برای تنظیم عالم واداره مردم آمده است .

شما اگر تفصیل بیشتری دراین باره میخواهید بنویسید تا ادله قاطعه و براهین ساطعه بیان کنیم براینکه بشریت ممکن نیست زنده بماند و با این تمدن امروزی رشد نماید وترقی وتعالی یابد مگر با سلام و سلام که شعار اسلام است

برادر اسلامی شما

محمد خالصی

قسمت دوم
راجع به جنك وخريد وفروش بنده در اسلام

خطبه شب جمعه ۹ ربيع الاول ١٣٦٩

اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم .

و كاين من نبى قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما اصابهم فى سبيل الله وماضعفو وما استكانوا والله يحب الصابرين وماكان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فى امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين فاتاهم الله ثواب الدنيا وحسن ثواب الاخرة والله يحب المحسنين

(ترجمه) بسا پيغمبرى كه بهمراهى او خدا شناسان بسيار و مطيعان پروردگار جنك كردند و بسبب آنچه در راه خدا بايشان رسيد سست نشدند و ضعيف نگشتند و اظهار ذلت وخوارى نكردند و خداوند صبر كنندگان را دوست ميدارد . و نبود گفتار ايشان مگر اينكه گفتند پروردگارا گناهان و اسراف دركارهاى مارا بيامرز و قدمهاى مارا ثابت بدار و مارا بر كافرين نصرت و يارى ده . پس خدا ايشانرا جزاى دنيوى وحسن جزاى اخروى بخشود وخدا نيكوكاران را دوست ميدارد اين آيات كريمه چقدر عجيب است عجائب قرآنرا نميتوان شمرد و غرائب آنرا نميتوان از بين برد . اين آيات شريفه بما ميفهماند كه خدا شناس و مطيع پروردگار (ربى) بايد بصفات پنجگانه متصف باشد و الا ربى نيست و چقدر دور از اسلام است كسى كه خدا شناس نباشد .

۱ـ آنکه بهمراهی فرستادگان خدا و با مر ایشان در راه خدا جنك کند .
۲ـ آنکه اگر در این راه مصیبتی دید سست نشود .
۳ـ آنکه ضعف عارضش نشود .
٤ـ آنکه اظهار ذلت نکند و نزد دشمنان خشوع ننماید .
٥ـ آنکه در هرحال شکیبا باشد .
اگر چنین شد دوست خدا است و خدا دوستدار شکیبایان است .
سپس این آیات مارا راهنمائی کرده است که گناهان و خطایا و ظلم بر خود و پیروی از شهوات و ارتکاب منکرات واسراف در کارهاوانجام دادن آنچه پروردگار راضی نیست انسانی را از ثبات قدم واستقامت باز میدارد و از نصرت و یاری پروردگار جلوگیری میکند ونیز بما میفهماند که راهی بسوی غلبه و کسب عزت وحفظ سیادت و سلطنت نیست مگر اجتناب از گناهان . وهرگاه شخصی یا جمعیتی یا سپاهی مرتکب معصیت شدند واجب است که توبه کنند و از خداوند متعال طلب آمرزش گناهان نمایند وبعد طلب ثبات ونصرت نمایند تا اینکه خدا دعایشان را مستجاب کند و سبب گفتار و کردار نیکویشان جزاء دنیوی و ثواب اخرویشان بخشاید وخدا دوستدار نیکوکاران است .
این است تعالیم اسلامی .
اما ما مسلمانان درست برعکس این دستورات عمل کردیم و نقطه مقابل ربیون و حق شناسان شدیم . به تبعیت و پیروی انبیاء جنك نکردیم و قبل از اینکه درراه خدا مصیبتی بما برسد سست شدیم و پیش از اینکه کار انجام دهیم ضعیف گشتیم و نزد هرناکسی اظهار

ذلت و خضوع کردیم و مرتکب گناهان و معاصی شدیم و در کارهایمان اسراف کردیم و از خدا طلب آمرزش ننمودیم .

آیا با این اعمال امید ثبات قدم و غلبه بر دشمنان داریم ؟ آیا با این کارهای زشت جزاء دنیا و حسن ثواب آخرت میخواهیم ؟

چنین نیست . خدا دوستدار صابرین و محسنین است و ما از ایشان نیستیم . نصیب ما ذلت و خواری و جزای ما بحکم قرآن کریم بدبختی و بیچارگی است .

پس تعجب نکنید که چگونه پانصد ملیون مسلمان در مقابل کفار ذلیل شدند بلکه در قبال یکدسته مردم که در نقاط مختلف جهان پراکنده اند و بمکر و حیله مشغولند بیچاره گشتند . راهی بسوی نیل بمجد و عظمت و بزرگواری و غلبه بر دشمنان نیست مگر اتصاف به صفات خدا شناسان که این آیات بیان کرده است .

متاسفانه ما مسلمانان بعوض اینکه دارای این صفات باشیم فواحش و منکرات را مرتکب میشویم . شراب و قمار در بازار های ما علنی است . متابعت شهوات و پیروی قبایح و منکرات از امور عادی هرفرد بشمار میرود . این اعمال ماست و معذلك امید پیروزی داریم و میخواهیم بر کفار و دشمنان چیره شویم و حال آنکه از گناهان توبه نمیکنیم واز کارهای زشتمان دست برنمیداریم . بخیال خودمان از پیغمبر اکرم استمداد میکنیم واز روح پاکش مدد میخواهیم . در حالیکه پیوسته اورا با عمال کثیف خودمان متاذی میسازیم . ما در مسجد و در جوار دو پیشوای بزرگوار هستیم شاید فکر کنیم که خدا بواسطه مجاورت اولیا و دوستانش برما ترحم کند و غافلیم از اینکه درهرشبانروز بلکه در هرساعت چقدر بمسجد و این مشهد مقدس اهانت وجسارت میکنیم .

در جنب اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه مرتکب هزاران گونه افشاء و منکرمیشویم در مغازه های مجاور مسجد بقمار کارهای باطل مشغول میشویم آیا با این.اما تنها امید مغفرت ورحمت ونصرت خدارا داریم ؟!
من درکربلا با صاحبان مغازه ها گفتگو کردم که دکانهای خود را از اینگونه کثافات ونجاسات پاك نمایند بسیاری ازآنها قبول کردند وعده ای گول شیطان را خوردند و نپذیرفتند .
بسیاری از مؤمنین بمن گفتند که ما میرویم وصاحبان آنها را مجبور میکنیم که مغازه هایشان را از اینگونه کثافات پاکیزه نمایند و بالاخره دکانهایشان رامی بندیم. من گفتم اخلال بنظام عمومی میشود گفتند از مقامات مربوطه درخواست میکنیم که مغازه هایشان را ببندد گفتم ما میخواهیم که اخلاق مردم تهذیب شود و صفاتشان پاکیزه گردد و نمیخواهیم جمعیتی را با تازیانه وچوب بسوی خیر و نیکی سوق دهیم والعبد یقرع بالعصا (بنده را با چوب میزنند)
ما کار ببندگان نداریم بلکه با آزاد مردان گفتگو داریم وآزاده کسیست که خودش جلو کارهای زشتش رابگیرد تا اینکه بعزت‌وشرف وسعادت در دنیا وآخرت نایل شود .

(حکمت تشریع جنك در اسلام)

یکنفر سئوال کرده است که چرا جنك و قتال در اسلام مشروع‌است؟
جواب این سئوال از قرآن است . چه من از قرآن و اخبار صحیحه تجاوز نمیکنم .
قال الله تعالی : الا تقاتلون قوما نکثوا ایمانهم وهموا باخراج الرسول و هم بدؤوکم اول مرة اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مومنین)

آیاجنك نمیکنید باکسانیکه خلاف قسمهایشان کردند ودربیرون کردن پیغمبر کوشش نمودند و ایشان اول دفعه ابتدا کردند آیا از ایشان میترسید پس خدا سزاوارتر است که از او بترسید اگر مؤمن هستید.
خداوند سبحان در این آیه شریفه بیان فرموده است که مسلمانان ابتداء شروع بجنك نکردند بلکه بعد از آنکه کفار خلاف سوگندی که یاد کرده بودند نمودند و پیغمبر را از مکه بیرون کردند (همان کسی که دعوت بصلاح میفرمود) مسلمانان برای دفاع مامور بجنك شدند بدیهی است که اگر دست صلاح از دفاع بسته باشد هرگز دعوتش پیشرفت نمیکند بنا بر این قانون جنك عادلانه و موافق طبیعت بشر است و هر قانونی که موافق طبیعت نباشد متروك میشود.
چنانکه این قانون (اگر سیلی بطرف راست صورتت زد چپ را هم بگیر تا بزند واگر کسی جامه ای از تو گرفت جامه دوم باو ده) چون موافقت بافطرت وطبیعت ندارد کسی بآن عمل نکرده و نمیکند
در جای دیگر میفرماید: **اقتلوهم حیث ثقفتموهم واخرجوهم من حیث اخرجوکم والفتنة اشد من القتل ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم فیه فان قاتلوکم فاقتلوهم کذالك جزاء الکافرین فان انتهوا فان الله غفور رحیم و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة ویکون الدین لله فان انتهوا فلاعدوان الا علی الظالمین.**
ترجمه: بکشید کفار را هرجا آنها را یافتید وبیرونشان کنید از آنجا که شما را بیرون کردند و فتنه (کفر) سخت تر از کشتن و با ایشان نزد مسجدالحرام جنك نکنید تا اینکه با شما در آن جنك کنند پس اگر جنك کردند بکشید ایشان را چنین است جزای کافرین و اگر دست کشیدند و تسلیم شدند خدا آمرزنده مهربان است و جنك کنید با ایشان تا اینکه فتنه ای نباشد و دین برای خدا باشد اگر

دست کشیدند و تسلیم شدند دشمنی نیست مگر بر ستمکاران .
خداوند سبحان در این آیه نیز بیان فرموده است که قتال و جنگ برای دفاع است وهرگاه کفار دست ازجنگ کشیدند نباید با آنها جنگ کرد وآنچه گذشته است بخشیده میشود . این رافت ورحمتی که در قوانین اسلامی است در هیچ قانون جنگی یافت نمیشود و این مهربانی و عطوفت که اسلام در باره دشمنان روا داشته هیچ آئینی نداشته است . و نیز این آیه بما میفهماند که مقصود از قتال در اسلام بالاترین مقاصد است وآن ایجاد وحدت کلمه و اتحاد و اتفاق و رفع نزاع و نفاق و ازبین بردن فتنه و کفر بخدا است . وفتنه وکفر سخت تر از قتل وکشتن است . چه فتنه مفسد عمومی است که تمام بشر را بواسطه کفر بخدا و انکار نعم او ونداشتن چیزیکه آنهارا از کارهای زشت و ناپسند باز دارد فرا میگیرد ولی قتل چنین نیست بلکه آن بردن جان یك یا چند نفر است برای رفع مفسدت و جلب مصلحت پس کشتن آسانتر است ازکفر مخصوصا اگرمقتول ملحدباشد و ایمان بخدا و دین وآئین نداشته باشد و فسادش شامل تمام خلق باشد و اگر مادی باشد که اصلا قائل بحیات نیست چه بعقیده ماتریالیست ها اجسام و حیوانات و انسان جان و حیات ندارند بلکه مجموعه ذراتی هستندکه بهم متصل شده و تشکیل این موجودات را داده اند و دماغ انسانی که اصل حس وشعور و ادراك است مثلا يك قطعه اکسژن است پس هرگاه انسانی کشته شد حیاتی از بین نرفته است بلکه قطعه اکسیژنی متفرق شده است پس این انسان حق ندارد که مطالبه حیاتی از ما بکند چه خودش قائل بحیات نیست وکسیکه منکر حیات است سزاوارتر است که حیات نداشته باشد

وهرگاه قتل چنین کسی جایز شد با عدالت موافق ووافی مصلحت است برای رفع مفسده این حیوان شریر منکر پروردگار و حیات و شرایع صالحه وقوانین شایسته است این است قیمت شخص کافر ولی شریعت مقدسه اسلام از آنجائی که قوانینش بر رأفت و رحمت و فضیلت است فرمود که وقتی کفار دست از جنك کشیدند شما دیگر با آنها جنك نکنید بلکه اسیرشان کنید تا شاید حق‌را بشناسند وبآن‌بگروند کناهکار مفسدیکه انکار خدا و حیات کرده شریعت اسلام او را باقی میگذارد وحیاتش را معدوم نمیسازد و تا شرش مأمون است او را مهلت میدهد که شاید صالح شود .
عدالت این قانون وآزادی او غیر قابل وصف است .

سخن در باره اسارت و بندگی دراسلام

اکنون اگر کسی سئوال کند که چرا اسلام احسانش را نسبت‌باین‌کافر کامل نکرده و اورا آزاد ننموده است باز ازقرآن جواب خواهیم‌داد. پروردگار درکتاب کریمش مدح کسانی فرموده است که باسراطعام میدهند وخود گرسنه میمانند و بندگان را سیر میکنند (**ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیما واسیرا**) و این در باره علی ابن ابی‌طالب و فاطمه و حسن و حسین و فضه خادمه ایشان است که سه روز روزه گرفتند وغذای خود را بمسکین و یتیم واسیر بخشیدند. نظر باینکه هرقانونی که جریانش طبیعی است زودتر اجراءمیشود و استقامت دارد چون جنگها منشأ سختی ورنج و زحمت‌وگرسنگی و برهنگی و انتقام میشد شریعت اسلام خواست که یك باعث طبیعی در نفوس فاتحین از مسلمانان ایجاد کند که زنان واطفال‌وپیرمردان و کسانیکه دست از جنك کشیده‌اند و اسلحه را افکندند محفوظ

ما نند و محبت سریعی د ر قلوب فا تحین ا ز مسلما نا ن در با ره ایشان ا یجا د شود لذ ا آ نها را در ا ختیا ر فا تحین و ملك ا یشا ن قرار دا د و ا ز آ نطرف ا مر با حسا ن نسبت با سرا ء فرمود تا ا ینکه ما لکین گرسنه بما نند و مملوکین خود را سیر کنند و بر هنه بما نند و ا سرا ء را بپوشا نند و خود را در زحمت بیند ا زند و را حت غلاما ن و کنیزان خود را طلب نما یند و آ نها را کا ملا دوست بد ا رند چون فطرت بشر این است که مملوك خود را هرچه با شد دوست میدا رد من وقتی این آ یه را میخوانم از رأ فت وعطوفت اسلا م تعجب میکنم (والمحصنات من النسا ء ا لا ما ملکت ایما نکم) می‌بینم که خدا وند مهر بان کنیز را در او ل ا سا رتش زن اسیرکننده قرار د ا ده ا ست و د ر ا ین آ یه میفرما ید (ومن آیا ته ان خلق لکم من ا نفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة) ا ز آیا ت خدا یکی ا ین است که ا ز خود تا ن جفتها ئی خلق فرموده که نزد آ نها ساکن شوید وبین شما د وستی و مهربا نی ا یجا د کرد .

چقد ر زود یك زن اسیر نفس اسیرکننده میشود و محبوبه او میگردد . راه حفظ زنا ن دشمنا ن مسلما نا ن ا ز مهلکا ت جنك و خا نه خرابیها و زحما تش وایجا د محبت و مهربا نی آ نها د ر قلوب فا تحین د ر این حکم ا سلا م عقلها را ما ت و مبهوت میکند و خرد مندا ن را متحیر میسازد . مثل ا ینگونه وسا ئل برا ی حفظ ا طفا ل و کسا نیکه د ست ا ز جنك کشیده ند واسلحه را ا نداخته‌اند ا تخا ذ شده ا ست و رأفت و محبتی که د ر قلوب فا تحین در با ره مغلوبین قرار داده شده بیش ا ز دوستی و مهربا نی یکفرد است نسبت بخویشاوند ا نش .

آئین مقدس اسلام باین حکم کفایت نکرده وگویا برای آزاد کردن بندگان فرصت میجسته است .

در کفارات افطار روزه رمضان ، قتل خطا ، ظهار ، خلف قسم بنده آزاد کردن را واجب تخییری دانسته و آزاد شدن بنده ایکه براو جنایتی شده است حکم قهری شمرده است .

بنده آزاد کردن از مستحبات مؤکده بلکه افضل عبادات دراسلام است . قسمتی از اموال زکوة باید صرف خریدن و آزاد کردن بنده شود . بعلاوه درباره بندگان سفارش زیاد شده است حتی اینکه پیغمبر اکرم صلعم فرمود(ملعون من ضرب عبده) کسیکه بنده اش را بزند ملعون است .

اسلام کنیزان و زنان اسیر را ببالاترین مقامی که نسبت بمغلوبین و اسیران تصور میشود رسانید .

مادر سید ساجدین امام زین العابدین علی بن الحسین(ع)وهمچنین مادر این دو امام بزرگواری که ما در جوارشان زیست میکنیم (امام موسی کاظم وامام محمد تقی) کنیز بوده است . چه مقامی از این بالاتر برای یك زن اسیر تصور میشود .

مادر بسیاری از خلفاء وپادشاهان مسلمان هم کنیز بوده است .

زبیده زن هارون الرشید و مادر مامون عباسی که بزرگترین خلفای بنی عباس بوده اند کنیز بوده است . مادر سلطان محمود دوم عثمانی که خویش مادر ناپلئون است اسیر مسلمانان بوده . این زن بعد از اینکه ازاسلامبول وجلال آن وحشت کرد ملکه امپراطوری عثمانی شد . محبت سلاطین و وزراء بکنیزانشان بیشتر بوده تا بآزادگان . حتی اینکه اندلیسیان کنیزان واولاد آنها را بر زنان عرب و اولادشان

ترجیح میدادند و شاید نبوغ اولاد کنیزان بیشتر بوده است .
کار مردان اسیر در اسلام نیز بالا گرفته و بسیاری از آنها بمقامهای شامخی رسیده اند .
طارق بن زیاد فاتح اندلس و جوهر صقلی که شهر قاهره پایتخت مصر را بنا کرد و جامع الازهر را بساخت و اخشیدیین پادشاهان مصر وامثال ایشان نمونهٔ ازمنزلت مملوکین را دراسلام نشان میدهد .
امام ابو حنیفه پسر ثابت پسر زرطی‌هم زیار بنده امیر المؤمنین (ع) است که آنحضرت او را آزاد فرمود . وی بمقامی رسید که رئیس مذهب اهل رأی شد . قبه ایکه برمرقد شریفش زده شده است برای خلفاء هم زده نشده . پس ازاینجا دانسته میشود که تشریع بندگی در اسلام برای حفظ مغلوبین است تا مسلمانان فاتح از روی حس انتقام که در تمام افراد بشر است اذیتی بمغلوبین نرسانند اما سائر قوانین رعایت این موضوع را نکرده است و از اینجهت بعد از اینکه یك سپاهی بر دیگران غالب میشدند بمغلوبین شکنجه و آزار بسیار میرسانند بهترین نمونه آن جنگهای اخیر است . دموکراسیهابعداز اینکه یقین کردند که بر نازیها غالب شده اند بسیل طیارتشان بلاد آلمان را درهم شکستند برای اینکه مردم آلمان را از قوای خودشان بترسانند و باك نداشتند که یك مشت اطفال وزنان و پیرمردان بی‌گناه تلف شوند ولی مؤسسات فنیه و بنگاهها را حفظ میکردند و هیچگاه کوچکترین حمله ای بآنها نمیکردند چون میدانستند که اینها بزودی در تحت تصرف خودشان میآید حتی اینکه بعضی از زنان و اطفال بآنجا ها پناه میبردند تا مصون بمانند و اگر فاتحین زنان و اطفال هم را ملك خودشان میدانستند آنها هم را نیز حفظ

میکردند زیرا فطرت بشر این است که ملك خود را دوست میدارد .
در تشریع اسارت و بنده گرفتن فوائد دیگری نیز هست . منجمله وقتی که کفار یقین کردند که اگر بجنك ادامه دهند منکوب ومغلوب میشوند و اگر دست از جنك بکشند بزودی مالك حریت وآزادیشان میگردند زودتر تسلیم میشوند و دست از جنك و قتال بر میدارند و صلح نزدیکتر از جنك و بعوض خوردن نیزه و شمشیر بترس آنها اکتفاء میشود .

این بود مقداری از حکم تشریع بنده گرفتن واسیرکردن در اسلام . و چنانکه معلوم شد فقط مقصود از آن آزادی کامل وجلب مصلحت و ایجاد محبت و اتحاد و جمع کلمه بشر بر حق و حقیقت و ایجاد صلح عمومی و کم کردن زحمات جنك است . و پیروی از سابقین نیست بلکه حکمی است از طرف پروردگار جهانیان از روی رحمت و لطف بر بندگان .

پس چگونه اشخاص غافل براین حکمیکه از روی عدل قرار داده شده است وحسن نیت واخلاص اعتراض میکنند بواسطه اینکه حکم واسرار آنرا نفهمیدند بر آن خورده میگیرند وچون معنای آنرا ندانستند بر آن طعنه میزنند

عجب این است که کسانی که بر بنده بودن یك یا چند فرد برای رفع مفسدت وجلب مصلحت و ایجاد رأفت و رحمت طعنه میزنند و اعتراض میکنند خودشان از کسانی هستند که ممالك را استعمار کردند و ملتها را بنده خود نمودند و خرابی را بحد اکمل رساندند وحریت وآزادی را سلب کردند معذالك سنك آزادیخواهی بسینه میزنند و بر کسانیکه چند نفر دشمن را برای مصلحت اسیر کردند

اعتراض مینمایند
برقوانین اسلامی اعتراض میکنند که چرا مشروع میدانند که یکعده کسانیرا که دست از جنك کشیدند اسیر شوند وآنها باقی بمانندبرای اینکه حق را بشناسند وبآن بگرایند اما برکمونیستها که خلق را به انواع بندگی هلاك کردند وسلب آزادی نمودند اعتراض نمینمایند .
کمونیستها باسم آزادیخواهی کارگرانرا به بنگاهها میکشانند مثل آنکه چارپایان را بضرب و زور بکار میبندند وکسیکه تخلف کند او را میکشند . کارگر را از حق خودش ونتایج کارش محروم میسازند حتی شکم اورا هم سیر نمی‌نمایند و مسکن خوبی باو نمیدهند ولباس شایسته ای بر او نمی پوشانند . کارگر کمونیست زحمتش از الاغ بیشتر است برای اینکه ما الاغ را سیر میکنیم آنگاه بار برآن‌میگذاریم اما کارگر توده ای هرگز سیر نمیشود .
کمونیستی آزادی کار وکارگر و ملك و مالك و زمین را از بین برد وتمام‌آنهارا بنده خود ساخت وتحت نظام ظالمانه خشکی بیرون‌آورد .
عجب این است که یك مشت نادان باسم آزادیخواهی ازاین استعمار و بندگی طرفداری کمونیستی میکنند وبر قوانین اسلامی‌ایرادمیگیرند وحال آنکه تنها مرام اسلام ایجاد حریت و آزادی‌افراد واجتماعات است . اسلام تمام مردم را برادر میداند .
کمونیستها آزادی هرچیزرا سلب کردند و اعراض و نوامیس را مباح دانستند و خیال کردند که این آزادی است . کارل مارکس میگوید بشر سعادتمند نمیشود مگر اینکه مثل سك باشد . که اگرسك نری در بازار برسك ماده ای جست کسی تعجب نمیکند و سعادت برای بشر حاصل نمیشود مگر اینکه چنین شود .

نظام کمونیستی و مرام اشتراکی وقانون توده ای علاقه بین پدر و مادر واولاد وخواهران و برادران بلکه تمام افراد را قطع نموده است .
بچه وقتی از مادر متولد میشود بحکم قانون کمونیستی اورا ازمادر میگیرند و درجای دیگری پرورش میدهند حتی اینکه پدر و مادر فرزند شان را نمی‌شناسند و همچنین بچه پدرومادرخود را نمیشناسد .
استالین در این جنگ اخیر گفت :
اگر عده بسیاری از ما کشته شود کوچکترین اثری در روسیه نمیکند - زیرا مقتول نه پدری دارد که محزون شود و نه مادری که برایش گریه کند . اما اگر عده کمی از آلمان کشته شود اثر عجیبی روی میدهد برای اینکه پدر و مادر و تمام اقارب و اقوام مقتول محزون میشوند .
من چون نزدیک بلاد روسیه بودم مثل کسیکه اوضاع آنرا مشاهده میکند میدانم که رحمت و مهربانی از افراد روسی سلب شده و بجای آن قسوت و جفا کاری قرار داده شده است و کمونیستها آزادی هرچیز را سلب کردند و هرچیز را بنده خود نمودند و بالاتر از همه اینها خالق خود شدند و شرایع انبیاء را تکذیب کردند .
اما اسلام آزادی تمام افراد بشر را حفظ کرد و بعوض بغض و دشمنی ایجاد محبت و دوستی نمود و بعوض انتقام از دشمنان با ایشان برأفت و مهربانی رفتار کرد وبالاترین مرتبه را بهمان کسانیکه دشمن خودش بودند بخشید و از طعن جاهلین وعیبجوئی غافلین اعراض کرد پس این ندرت چیست وناوادانی و غفلت تاچه حد است
بالاترین قوانین قانون اسلام است موافقترین آئین بطبیعت ورساننده ترین قانون بسعادت بشر اسلام است . هرکس باحکام الهی وقوانین

اسلامی اعتراض کند یا جاهل است ویا غافل
پناه میبریم بخدا از جهل و غفلت و از او مسئلت مینمائیم که بشررا بحقائق اسلام بینا کند تا بآن متدین شوند و قوانین آن دین مبین را اجراء نماید وبالنتیجه از هرشقاوت و بدبختی خلاص شود و بهر سعادت و نیکبختی نائل گردد

پایان

ترجمه خطبه اول نماز جمعه روز ۱۰ ربیع الاول ۱۳۶۹

ستایش خدائیرا ست که ایجاد کننده آسمانها وزمین وقرار دهنده ظلمات ونور و خالق خلق و گسترانیده رزق و روشن کننده صبح و و صاحب جلال و بزرگواری است .
سلطنتش عزیز ومکانش عالی وامرش ظاهر و قدرتش غالب وحکمتش جاری است .
شهادت میدهم که خدائی بجزخدای یکتای بیهمتا ، زنده توانا نیست . نه اولیتش را آغازیست و نه آخریتش را پایانی و شهادت میدهم که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست اورا برسالتش برانگیخت وبرای راهنمائی بندگانش انتخاب فرمود .
بارالها بر محمد و آل او درود فرست درودی که بر اولین و آخرین رشك برند .

او را بسبب این درود مقامی بس بلند عطا فرمائی و ما را بخشنودی و بهشتت نزد یك نمائی و نیز بریا را نش که از او پیروی کردندودینش را حفظ نمودند و احکامش را بپا داشتند و بدعت را از بین بردند وسنتش را زنده کردند درود فرست .

ای مردم . این پروردگار شماست و اغراق نگفتم اگر بگویم این صدای خالق شماست که میفرماید **یا ایها الذین آمنوا** پس اجابت کنید دعوت خدا را و بگفتار این و آن گوش ندهید . قرآن جلوروی شما و پیشوای شماست و تبدیل و تغییری نیافته .

علی (ع) دریکی ازخطبه هایش فرمود (جمعه بزرگترین اعیاد شماست) ولی ما این عید بزرك را ترك کردیم و بالنتیجه باختلاف کلمه وتفرق و تشتت مبتلا شدیم . جمعه جمع کننده است پس چرا آنراضایع کردید مسلمانان بجان یکدیگر میافتند و بهم تهمت میزنند . هیچکدام به دیگری اطمینان ندارند و این علامت خواری و ذلت وهلاکت است . زیرا اگر اطمینان و وثوق از یك قوم و ملتی سلب شد آن جمعیت دیگر روی اتحاد نديد . و محکوم بزوال خواهد شد آیا ممکن است یك روز ما با هم متحد شویم و بتوانیم با این اعمال پرا کنده گیهای خود را گرد آوریم و متفرقات را جمع آوری نمائیم . سبحان الله . چگونه بکسیکه سنن خدا را بر پا میدارد تهمت میزنند که او دعوت بموجبات غضب الهی میکند این تهمتها چیست (**فلایحزنك قولهم ان العزة لله جمیعا**) گفتار ایشان تورا محزون نکند . همانا عزت تمامی مرخدا راست .

به پیغمبر اکر (صلعم) گفتند دروغگو و جادوگراست . خداوند

متعال اورا تسلیت گفته امر بصبر میفرماید (**اصبر علی ما یقولون واهجرهم هجرا جمیلا**) کسیکه دعوت با سلام و اصلاح میکند همین آیه برای تشویق او برای احکام خدا کفایت است وقدمش ازگفتار این و آن و تهمت زدن هرکس نمیلغزد .

بندگان خدا . پرهیزکار باشید . وظاهر و باطن گناهرا واگذارید اول چیزیکه بآن مأمورشده‌اید این است که شرك بخدا نیاورید و بعد آنچه قرآن واحادیث صحیحه امرمیکنند دستورات شریعت‌را بپذیرید تا رستگارشوید وبدرجات عالی نائل گردید وخیر دنیاوآخرت شمارا باشد .

خدایا شاهد باش . من باندازه طاقت خودم احکام تو را تبلیغ مینمایم هر چند فرقه‌ای نشنوند و دیگری عمل نکنند جز این نیست که امر ایشان بسوی تست . **ربنا احکم بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الحاکمین** پروردگارا بین ما وقوم ما بدرستی حکم فرما و تو بهترین حکم کنندگان هستی

ای مردم . این جمعه اسلام است . اگر آنرا چنانکه خدا امر کرده و قرآن بآن ناطق است بپا دارید تمام خوبیها را برای شما جلب میکند و تمام بدیها را از شما دفع مینماید . چقدر شبهه قبیح و بدعت مضر است . حرام آنچیزی است که خدا حرام کرده و حلال آنچیزی است که خدا حلال فرموده . است کسیکه کتاب خدا را ترك کرد نومید شد وکسیکه احکامش را بپا نداشت زیانکار گردید .

اکنون که گرفتار هواهای نفسانی و بدعتها شده اید باید بکتاب خدا چنك بزنید واز احکامش پیروی کنید چنانکه وقتی پیغمبر(ص) فرمود : بزودی بدعتها شما را چون شب تار فرا میگیرد . گفتند

یا رسول الله (ص) چیست که ما را از این ظلمت نجات بخشد فرمود کتاب خدا .

کتاب امر بجمعه میکند و دستور اتحاد کلمه میدهد .

ان الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعا لست منهم فی شیئی انما امرهم الی الله ثم ینبئهم بماکانوا یعملون همانا کسانیکه در دینشان تفرقه انداختند و دسته دسته شدند تو از ایشان نیستی جزاین نیست که امر ایشان بسوی خدا است سپس بآنچه میکردند آگاهشان میکند .

کی در دین تفرقه انداخت ؟ وکی مسلمان را دسته دسته کرد ؟

هر دسته ای امیر مؤمنان و منبری دارند . بر شرع دروغ میبندند و بدون دلیل و برهان میگویند این حلال است این حرام .

ولا تصف السنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون

زبانهای شما بیان دروغ نمیکنند که این حلال و این حرام است برای اینکه بر خدا دروغ و افتراء ببندید همانا کسانیکه بر خدا افتراء میبندند رستگار نمیشوند .

وحدت اسلامی کجاست ؟ کی اینجا داختلاف کرد ؟

عمل نکردن باحکام خدا باعث تفرق کلمه شد وترك جماعات ایجاد کلمه نمود . این شیعی است و آن سنی . این عرب است وآن عجم این هندی است وآن ترك . این اختلاف بلائی است بس بزرك وبا این مصیبت امید بهبودی نمیتوان داشت .

اگر طالب بهبودی هستید اگر امید سعادت و خوشبختی دارید باحکام الهی عمل کنید و ملازم جمعه وجماعات باشید .

جمعه هر گونه خیر ونفعی را برای شما جلب میکند و هرگونه شر و ضرری را از شما دفع مینماید .

کتاب خدا بین شما است و آن ثقل اکبر است . پس برای چه آنرا پشت سر انداختید و احکامش را معطل گذاردید و قوانینش را پایمال کردید .

کجا است مدارس دینی ؟ کجا است مساجد آباد ؟ کجا است اوامر و مساجد الهی ؟ کجا هستند علماء عاملین ؟

اینها بدل شده است به می گساری ، قمار بازی ، خواهشهای نفسانی وساوس شیطانی و بد بختی و بیچارگی .

وای برمسلمانان اگر این کیفیت ادامه یابد وچنگال دشمنان برایشان فرو رود و ایشانرا پاره پاره کنند .

کدام حکمی از احکام الهی را اجرا کردید آیا ازبیچاره ای دستگیری کردید یا ناتوانی را توانا کردید یا فقیریرا غنی نمودید یا گرسنه ایرا سیر کردید یا برهنه ایرا پوشانده اید یا نادانیرا دانا کرده اید یاگمراهی را راهنمائی نمودید . پس چه میکنید ؟

روز مولود نبی (ص) انشاء الله سخنانی را با شما میگویم تا بفهمید که چه میکنید و باید چه بکنید . درآتش خود میسوزید و نمیفهمید نمیگویم آتش آخرت بلکه درآتش دنیا هم خواهید سوخت . کجا - میروید و چه میخواهید بکنید

الها . امر تو را تبلیغ کردم . و تو بهتر میدانی که در قلب ما چیست ای کسیکه چشمهای خائن وآنچه درسینه ها مخفی است میدانی

ای مردم . در احکام خدا و اوامر پیامبرش پرهیزکار باشید . در

و اجبات مستحبات پرهیزکاری کنید . کتاب خدا را ضایع نکنید
چنانکه امتهای پیش ازشما کردند پیروی خواهشهای نفسانی کردند
و گمراه شدند و باالنتیجه در دنیا وآخرت ذلیل وخوار گردیدند .
مسلمانان با هم متحد باشید و با دست اتحاد دشمنانتانرا نابود سازید
و با قدرت اتفاق بر جهان و جهانیان حکمفرما شوید .
محال است که مسلمانان عزیز شوند وسلطنت و حکومتشان محفوظ
بماند مادامیکه متفرق و متشتت هستند . و در کتاب خدا بهترین
پند یست .

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

فاقم وجهك للدين حنيفا فطرة الله التى فطر الناس عليها
لاتبديل لخلق الله ذالك الدين القيم ولكن اكثر الناس لايعلمون
منيبين اليه واتقوه واقيموا الصلوة ولاتكونوا مشركين من الذين
فرقوا دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون

خطبه دوم نماز جمعه

ستایش مرخدا یرا ست که نعمتها یش را ارزا نی بخشید . انعام کرد و اکرام فرمود . تفضل کرد و زیادت فرمود . منزه است او . چقدر کریم و جلیل و بزرك است . اسمائش مقدس وکبریائش بلند است .

گواهی میدهم که خدائی نیست مگر خدای یکتای بیهمتا . و محمد بنده وبرگزیده و پیغمبر او است . بار الها . درود فرست بر محمد که سید پیغمبران تست و بر علی که امیر مؤمنان به تست و بر فاطمه زهراء که دختر پیغمبر تست و بر حسن وحسین که دو سبط پیغمبر تو هستند و بر پیشوایان از اولاد حسین علی و محمد و جعفر و علی ومحمد وعلی و حسن و مهدی منتظر درود پاك بزرك بر یاران پیغمبر که برای دین خدا خالص شدند وجانها یشانرا در راه اقامه واجبات وسنن او قربانی کردند .

بندگان خدا پرهیزکار باشید . تقوی چیست . تقوی زینت و عزت است . تقوی مال وثروت است . تقوی ملك وسلطنت در دنیا است . پرهیزکاری درجات عالیه آخرت است . بندگان خدا دین خود را بواسطه پیروی از خواهشهای نفسانی ضایع نکنید و اختلاف کلمه ایجاد ننمائید و تفرق و تشتت بوجود نیاورید . آیا نشنیدید آیه ایرا که در خطبه اول خواندم (ولا تکونو من المشرکین من الذین فرقو دینهم وکانوا شیعا) نباشید از مشرکین از کسانیکه در دین تفرقه انداختند و دسته دسته شدند

کسیکه ایجاد اختلاف نماید و مردم را دسته دسته کند متصف بصفت مشرکین است .

بندگان خدا . پروردگار برای شما دلیل واضحی معین کرد پس
چرا مخالفت کردید . هر یك از شما گمان میکنید که اگر در زمان
پیغمبر (ص) بود جانش را در جلو روی او و فدای دین میکرد و اگر
در زمان علی (ع) بود شهادت را بر حیات اختیار میکرد و اگر در
زمان حسین ع بود از شهداء و یاران او محسوب میشد و میگوئید
که ما پیشوائی نداریم که جانهایمانرا در راه خدا قربانی کنیم .
این کتاب خدا و بزرگترین پیشواست که رسول اکرم صلی‌الله علیه و
آله و سلم آنرا ثقل اکبر نامیده در آنجا که فرمود : **انی تارك فیکم-
الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی** . همانا من در میان شما دو چیز
بزرك میگذارم کتاب خدا وعترت خودم اهل خانه ام .
پس چرا این ثقل اکبر را ترك کردید واحکامش را زیر پای گذاشتید
ثقل اکبر شما را امرمیکند که با هم متحد شوید پس چرا متفرق گشتید
امرمیکند که جمعه وجماعت بپای دارید پس چراآنها را ضایع میکنید
شما را از قمار وشراب نهی میکند پس چرا مرتکب میشوید شما را بهر
کار خیری امر میکند و از هر کار زشتی نهی میفرماید پس چرا خیرات
را ترك کردید و شرور را مرتکب شدید آیات قرآنی را مطابق میل
خود و موافق هوی وهوس خود تاویل کردید وکتاب خدا را بر اراء
خودتان تفسیر کردید (**من فسر القرآن بر آیه فلیتبوء مقعده من النار**)
هر کس قرآن را برای خودش تفسیر کند باید در آتش جای داده
شود .
شکی نیست اگر امام هم بین شما بود و شما را امر بخلاف میلتان
میکرد عذر میآوردید و دلیل و صحت برایش اقامه میکردید و از
اطاعت امرش فرار مینمودید . چنانکه پیش از شما کردند .

مگر حسن بن علی علیه السلام را نزدند. نیزه بر ران مبارکش فرو نبردند آیا برایش نگفتند یا حسن مشرک شدی چنانکه پدرت پیش از تو مشرک شد.

بدانید هر خیر و برکتی در اطاعت خدا است. جمعه را تجربه کردید از آنروزیکه اقامه شد خدا باران رحمتش را بر شما فرو فرستاد. حتی اینکه یکی بمن گفت تو نماز جمعه میخوانی یا نماز استسقاء در جواب او گفتم در جمعه تمام برکات وخیرات است. اگرشما وحدت کلمه و اتفاق آراء میداشتید بیش از این از نعم و برکات الهی بهره مند میشدید.

من باندازه طاقت خودم باندازه که بتوانم در ایجاد اتفاق و رفع اختلاف سعی وجدیت میکنم.

چرا باید عراقین بعضی با بعض دیگر دشمنی داشته باشند آیا اهل یک دین و یک پیغمبر و یک کتاب و یک قبله نیستند آیا معتقد ببندگی خدای واحد احد نیستند پس این اختلاف چیست.

بسبب همین تفرق و تشتت دشمنان در شما طمع کردند و قصد کندن و از بین بردن دین شما نمودند و شما را به بیدینی و انکار خدا و ترک احکام او دعوت کردند چونکه سستی و اختلاف شما را فهمیدند.

ای خدای ما و سید و مولای ما. بیامرز ما را و پدران ما را و این اختلاف و نفاق را از بین ما مرتفع ساز. بارالها کلمه ما را بر حق جمع کن و ما را در احکام پیغمبرت بصیرت فرما. بارالها رؤسا و زمامداران مسلمین را حفظ کن. پیشوایان و قائدین را موفق بدار ومسلمانان را بر کفارکه در زمین فساد میکنند غالب فرما

پروردگارا ما را از مقیمین و برپادارندگان فرائض و حافظین و نگاه دارندگان سنت قرار بده و بر ما رحم کن همانا تو بهترین رحم کنندگانی ۰

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

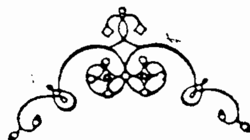
بسم الله الرحمن الرحیم



اذا جاء نصر الله والفتح ورایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا ۰

بنام خداوند بخشاینده مهربان

هرگاه یاری خدا وفتح آمد و دیدی مردمرا که دسته دسته داخل دین خدا میشوند پس تسبیح کن بحمد پروردگارت از او و طلب آمرزش کن همانا او بسیار توبه میپذیرد ۰



مذاکره آیت الله خالصی زاده با

چند نفر از دانشمندان آمریکائی

چندی پیش چند نفر از دانشمندان آمریکا از جامعه مدینة‌العلم دیدن کردند وباآیة الله خالصی زاده مذاکره نمودند . ما اسم‌چندنفر از ایشان را در اینجا ذکرمیکنیم .

یکی (مس ینلاگرام کوك) مستشرقه آمریکائی است که مدت مدیدی در بلاد ترکیه و هند و ایران زیست کرده وقبلا در استامبول مسلمان شده و ترجمه وتفسیرقرآنی بزبان انگلیسی نوشته که بر تمام‌ترجمه‌های موجود تفوق وبرتری دارد .

دیگری (پروفسوریانك) مستشرق آمریکائی است که یکی از بزرگان جامعه (پرنسننك) بشمار میرود .

دیگری (پروفسور روبرت . ف . اوعذ ون) مدیر شعبه‌خاورنزدیك کتابخانه کونغرس واشنگتن است . (این کتابخانه بزرگترین کتابخانهای عالم میباشد)

دیگری (پروفسور ژورژ) یکی از استادان دانشگاه کالیفرنی‌است که باخانمش حاضرشد

دیگری (پروفسور دکتر ژان ویلسنرنسکی) است .

درطی چند روز مذاکراتی در اطراف مسائل علمی ودینی‌باآیة الله خالصی نمودند و بدون هیچ گونه عصبیت با کمال متانت بسخنان معظم له گوش میدادند که حقایق اسلامی را بفهمند. آیة اللّه‌خالصی نیز از سئوالات ایشان جواب میدادند تااینکه احکام دین اسلام وحکم آنرا بیان کنند و جهانیان بفهمندکه ممکن‌نیست جامعه‌بشریت اداره شود مگر بقوانین اسلامی .

ينلا گرام کوك گفت :
مسیحیت دین گذشته است و نمیتوانند مردمان امروزی و آیندگان را اداره کند و آن دینی که میتواند برای همیشه دستورالعمل مردم باشد تنها اسلام است که پهلو بپهلو باعلم پیشرفت میکند واگر بردانش سبقت نگیرد عقب هم نمیافتد .
او گفت :
من از آیت الله خالصی آراء و عقایدی را می بینم که لازم است آنها کوبرنکس عصر حاضر نامید .
آیة الله خالصی در جواب گفتند :
من هیچ چیزرا از خودم نگفتم و هرچه گفتم تمام از قرآن بود .
گفت : آری . همانا اسلام کوبرنکس دین است .
پروفسور ژورژ از تلسکوبی که امسال در کالیفرنی نصب کردند تعریف کرد وبا تعجب گفت .
این تلسکوب ستاره ایرا بما نشان میدهد که نور آن بعدازیك ملیون سال بکره زمین میرسد .
آیة الله خالصی زاده در جواب گفتند :
این چندان عجیب نیست و اکتشاف عجیب این تلسکوب در مقابل عجائب عالم مثل یکذره ایست نسبت بکره زمین و این آیه را تلاوت کردند (**قل لوکان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولوجئنا بمثله مددا**)
ترجمه : بگو (ای محمد) اگر دریا ها مرکب بود از برای نوشتن کلمات پروردگارم پیش از آنکه آن کلمات تمام شود دریا ها تمام میشد ولو اینکه مثل آنها را برآن میافزودیم .

گفت: آری . لیکن این هم عجیب است .

آیة الله خالصی فرمودند: ولی من بسیار عجیبتر از این را می بینم .

پرسید چیست؟

گفتند:

مرد ها نیرا می بینیم که اطراف این تلسکوپ زیست میکنند وعجائب این عالم را مشاهده میکنند و معتقدند که خالق این‌عظمت و ملیاردها امثال آن از آسمان بزمین آمده و در شکم زنی رفته و بعد بصورت طفلی بیرون آمده ودرسن جوانی سوار الاغ شده و در زمین گردش کرده و بعد اورا گرفته بدار کشیدند و دفنش کردند .

پروفسور وخانمش‌خندیدند و گفتند پس‌چه بگوئیم دین‌مسیح باطل‌است؟

آیة الله خالصی گفتند: نه . ولی مسیحیت چنانکه شما میگوئید و انجیل ها تفسیر میکنند باطل است و اگر آنرا چنانکه قرآن بیان میکند تفسیر کنید حق است .

گفتند مگر قرآن در باره مسیحیت چه میگوید:

آیة الله خالصی این آیه شریفه را تلاوت کردند (سوره نساء)

قل یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم ولا تقولوا علی الله الا الحق انما المسیح عیسی بن مریم رسول الله و کلمته القاها الی مریم وروح منه فآمنوا بالله ورسله ولا تقولوا ثلاثة انتهوا خیرا لکم انما الله اله واحد سبحانه ان یکون له ولد ، له ما فی السموات وما فی الارض وکفی بالله وکیلا

ترجمه) بگو (ای پیغمبر) باهل کتاب: در دینتان غلو نکنید و در باره خدا جز راست و درست نگوئید جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم پیغمبر خدا وکلمه اوست که بمریم وروحی از خودش القاء کرده پس ایمان بیاورید بخدا وپیغمبرانش و نگوئید خدا سه تا

است و بپذیرید که خدا یکی است بهتر است از برای شما جز این نیست که خدا یکی است و منزه است از اینکه پسری داشته باشد وهرچه در آسمانها و زمین است مراوراست و بعد گفتند عیسی روحی از خدا است و مخلوق اوست نه پسرش هست و نه عین اوست(چنانکه مسیحیت میگوید) و هرگاه یکی از مخلوقات خدا باشد جزئی از مخلوقات عظیم است و عین آنها نیست پس ما نعی ندارد که چنین شود و از شکم مادر بیرون آید و مانند سائر مخلوقات محدود ومتناهی باشد.
وقتی از این روح بررسی میکنیم می بینیم که تمام انبیاء دارای این روح بوده اند و کاملترین آنها در پیغمبر خاتم بود . و مخلوقات بحکمت خالق از حیث قوت و کمال با یکدیگر متفاوتند .
قرآن کریم از آنچه بر پیغمبر نازل شد بروح تعبیر میکند در (سوره شوری) میفرماید (**وکذلك اوحینا الیك روحا من امرنا**)
(ترجمه) همچنین وحی کردیم بسوی تو روحی را از امرمان .
و همچنین از واسطه وحی بروح تعبیر کرده است . در(سوره شعراء) میفرماید . (**نزل به الروح الامین علی قلبك**) (ترجمه) آنوحی را روح امین بر قلب تو نازل کرد .
بنا بر این اسلام و مسیحیت در این اصل متفقند که خدا به پیغمبرانش روح فرستاده است این روح مخلوق است و فرد اکملش در محمد موجود بود و آنچه از عظمت کون کشف میشود تأیید این عقیده میکند.
پروفسور ژورژ گفت : اسلام در این عظمت چه میگوید ؟
آیة الله خالصی گفتند : دین اسلام پیشا پیش علم سیر میکند و ممکن نیست که علم بآن برسد چه رسد باینکه از اسلام سبقت گیرد .
شعار اسلام (**الله اکبر**) است ، که مسلمانان در هرروز وجوبا پنج

مرتبه میگویند ومستحب است که بالغ برهزار مرتبه گفته‌شود. وهرچند علم عظمت مخلوقا ترا کشف کند یا قا نون بد یعی را و ضع نمایداسلام میگوید: خدا بزرگتراست. پس ممکن نیست که علم بمرتبه‌ای برسد مگر اینکه اسلام با لا تر و بیشتر از آ ن دیده میشود.

پرو فسور گفت:

حا ل مسیحیت در جنب ا ین علوم و ا کتشا فا ت چیست؟

آ یة ا لله خا لصی گفتند. مسیحیت چنا نکه اناجیل میگوید این عظمت را مضروب بآ خرین و محکمترین ضربتی مید ا ند و میگوید که درزیر رصد خا نه ها و بنگا هها ی میکا نیکی مد فون است.

اســلا م است که پیشا پیش علم سیر میکند.

ا گر مسیحیا ن هم را هرا پیدا کنند ومسیحیت را چنانکه اسلام تعریف کرده ا ست بد ا نند در زیر بیرق ا سلا م جاوید میمانند وباعلم پیشروی میکنند.

سخنشا ن با ینجا کشید که مجلسی تشکیل دهند وارباب ادیا ن مختلفه در آ ن مجلس جمع شوند و در با ره توحید مسیحیت حقیقی و ا سلام که موا فق مکتشفات علمی است گفتگو کنند وپروفسور وعده داد که در تشکیل این جمعیت سعی نما ید.

وحدت بشریت در اسلام



«خلاصه خطبه عصر جمعه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۶۹ است که حضرت آیة الله خالصی در مجلس جشنی که جمعیت وحدت اسلامی بمناسبت مولود نبی اکرم صلی الله علیه وآله و سلم تشکیل داده بودند درحضور اعلیحضرت ملك فیصل دوم ایراد فرمودند و کاتب مخصوص جمعیت آنرا ضبط کرده و در شماره ۸ از سال اول مجله (لواء الوحدة الاسلامیه) منتشر شد»

برای تبرك سخن خود را بآیاتی از کتاب خدا شروع میکنم.

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی وجعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر.

ای مردم. ما شما را از یك نر و ماده خلق کردیم وشمارا شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار دادیم تا یکدیگررا بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست و خدا دانا وآگاه است.

این آیات شریفه‌ما را دلالت میکند بر اینکه مهمترین هدفهای دین اسلام متحد کردن بشراست. ما باید دعوت بوحدت بشر کنیم و نگوئیم وحدت اسلامی وهرگاه ذکر وحدت اسلامی کردیم معنایش این نیست که فقط مسلمانان باهم متحد شوند و از دیگران جدا شوند بلکه معنایش اینست که وحدتی که اسلام خواسته است اتحاد جمیع افراد بشر و ملل و اقوام است.

نظرشارع مقدس اینست که تمام بشرباهم متحد شوند واختلاف جنس و قومیت و نژاد و لغت و عنصر و محیط باعث اختلاف و تشتتشان نشود

و تمام جامعه بشریت بر اصل دوستی و نیکوکاری و همکاری و خدمت نوع قیام کنند ویکدیگر را بحق وصبر سفارش کنند. قانون گذار اسلام از ازل میدانسته است که بشر چه مراحلی را طی خواهد کرد وبچه مقامات علمی خواهد رسید و روزی میآید که زمین مثل یك خانه بلکه مثل یك بالاخانه میشود
چنانکه امروز شخص سخن گوینده ایرا که درامریکا صحبت میکند میشنود و بساصدای همسایه و هم اطاقش را نشنود. مقتضی این کیفیت و تغییر زمانه این بود که قانونی وضع کند که برای همیشه ضامن سعادت بشر باشد وحتی هنگامیکه باین مقامات علمی وبالاتر رسید باز چاره ای جز پیروی از آنرا نداشته باشد قانون مقدس اسلام نه تنها از لحاظ اینکه جالب مصالح و دافع مفاسد است معجزه است بلکه از لحاظ اینکه برای همیشه قدرت اداره جامعه را دارد و لوهر گونه تغییری پیدا کند پیاده برود یا سواره سیر کندیا در هوا پرواز کند. آتش را ازچوب و سنك وآهن بیرون آورد. الکتریسته و نور و مقناطیس را مسخر کند. و بهر درجه ای از تمدن برسد بالاتر از آنچه تا کنون بسبب اکتشافات اسرار طبیعت وعجائب کون رسیده است قانونیکه بتواند احتیاجات او را رفع کند و آنچه باعث سعادت اوست تامین نماید تنها قانون مقدس اسلام است. ازجمله قوانین اسلام همانا امر اتحاد و اتفاق تمام بشر است که اسباب آنرا از جهات علم وحکمت و اقتصاد و معاملات و مناکحات وقوانین جزائی وطرق معاشرت ورعایت حقوق افراد وغیر ذالك ازچیزهائیکه مقام گنجایش آنراندارد فراهم کرده است. وهرگاه تمام اقوام زیر بار اتحاد نرفتند وبنای اختلاف را گذاردند باید باشمشیر ایجاد

اتحاد کرد . و اتحاد بشری اقتضا میکند که با آندسته مخالف جنك کرد وکسانیرا که باصلح قبول اتحاد نکردند با جنك مجبور با تحادشان کرد حکم فرموده است و برای دسته بندی وقومیت مجالیرا باقی نگذاشته و حکمت قومیت و دسته دسته بودن را در این دانسته که یکدیگر را بشناسند و نظام عمومی بر اصل مساوات تام برقرار باشد وچون برتری قومیت و جنسیت را ملغی و محلی برای فخر حسب ونسب باقی نگذاشت و تمام مردم را در مقابل قوانین وحقوق مساوی دانست برای اینکه نقصی از جهت این مساوات حادث نشود(چه انسانی وقتی خودش را از هرجهت با دیکران مساوی دانست دنبال ترقی نمیرود و در مقامات معنوی بیشرفت نمیکند و ممکن است نشاط شخصی و نوعی از بین برود و بجای آن کسالت و سستی برافراد حکمفرماشود) یك فضیلت را که باعث اصلاح و صلاح میشود معتبر دانست وفرمود (ان اکرمکم عندالله اتقیکم) گرامی ترین شما نزد خدا پرهیز کار ترین شماست . وحتی امر بمسابقه دراین باب کرد که فرمود (سابقوا الی الی مغفرة من ربکم وجنة عرضها کعرض السماء والارض اعدت للذین آمنوا بالله و رسله) سبقت و پیشی بگیرید بسوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن مثل پهنای آسمان و زمین است و برای کسانیکه بخدا و پیغمبرانش ایمان آوردند مهیا شده است.و مردم را بر شتاب کردن بسوی این فضیلت واحراز این فخر تشویق میکند که میفرماید سارعوا الی مغفرة من ربکم وجنة عرضها السموات والارض اعدت للمتقین .

بواسطه اینکه فضیلت را در تقوی و پرهیزکاری دانست و اشخاص متقی را بر دیکران برتری داد برستی و خمودکی حکمفرما شد .

نشاط کاملرا برای عموم بشر حفظ کرد . زیرا تفاضلی را که اسلام قرار داد و برتریرا که قائل شد حائز مصالح فردی واجتماعی است و سزاوار است که هر فرد بسوی آن شتاب کند و اعمال عبادی را از روی محبت و رغبت نه از روی ترس و بی میلی بجا آوردولی فضیلت باید از جانب خدا برای مصلحت بشرباشد نه اینکه آنچه رامصلحت خود میداند ولودر واقع برای او مضر است فضیلت باشد

خداوند سبحان اسباب وحدت را در تشریع اسلام ایجاد کرده است و فرقی بین عربی وعجمی و ترکی و هندی وسیاه و سفید و غیر ذالك نگذاشته است شریعت مقدس اسلام از اصرار یکه بر وحدت بشری دارد جنك را مشروع کرده وتفرقه رافتنه نامیده وجنك کردن را بر فتنه کردن ترجیح داده باین لسان که میفرماید الفتنة اکبر من القتل و اشد من القتل یعنی فتنه از کشتن بزرگتر است و جای دیگر میفرماید فتنه از قتل وکشتن شدید تر است و مقصود اصلی از تشریع جنك وکشتن در اسلام این است که میفرماید

و قاتلوهم لا تکون فتنه ویکون الدین کله لله یعنی جنك کنید با کفار تا اینکه فتنهٔ نماند و دین برای خدا باشد

اسلام میخواهد تمام بشر با هم متحد باشند ولی بر خیر و سعادت بر دین صحیح و عقیده حقه معذالك در حق کسانیکه با مسلمانان جنك نمیکنند میفرماید لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین

یعنی خدا شما رانهی نمیکند ازاینکه کسانیکه باشما جنك نکرده اند احسان کنید وباعدل ودادگری باایشان رفتار کنیدهماناخداداد گران را دوست میداد

اسلام باین دستورات وحدت بشری را بجمیع شئونش حفظ کرده و مهمترین آنها وحدت اقتصادی است که در آیات و احادیث بسیاری مذکور است وتنگی وقت مانع تفصیل آنها است اجمالا آنکه عموم بشر را انواع تصرفات وملك وعمل آزاد قرار داده وهیچ کس رابکاری مجبور نکرده ومالکی را برانتزاع ملکش اکراه ننموده وحتی معاملات ربوی را (تنزیل (که تلشی ازکراهت وعدم رضایت است حرام کرده که میفرماید یا ایها الذین امنو الا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الاان تکون تجارة ان تراض منکم ۰ یعنی ای کسانیکه ایمان آوردید اموال خودتان را بین خودتان بباطل مخورید مگر آنکه تجارتی ازروی رضایت طرفین باشد ۰

اینست وحدت اسلامی ۰ شمشیرکشیدن را برای حفظ مصلحت و سعادت وحق وحقیقت اجازه داده بخلاف جنگی که از روی هجوم باشد و لذا پیش از دعوت بحق وانذار ، جنك را حرام دانسته است ۰

وحدت بشری که قرآن بآن دعوت میکند و احادیث شریفه آنرا تاکید میکنند مبنی بر محبت ومصلت والفت وحریت وآزادی وراستی و درستی است نه چنانکه دعوت کنندگان باصلاح میگویند که در روی زمین فساد میکنند شهرها راخراب میکنند ومردمرامیکشند ومحصولات را ضایع میکنند خدا و پیغمبران و شرایع را انکار دارند بباطل دعوت میکنند وهرچه را بتوانند اسیر و دستگیر خود میکنند و میخواهند بر زمین و اهل آن بناحق حکومت کنند

اما وحدت اسلامی دعوت باحسان ومصلت وحق وسعادت برای جمیع بشر میکند ولذا مسلمانان وپیروان خود را دعوت باتحاد واتفاق میکند و ایشان را از تفرقه و اختلاف منع و نهی میکند که میفرماید

یاایها الذین امنو اتقوالله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا ای کسانیکه ایمان آوردید پرهیز کاری کنید حق پرهیز کاریش ومبادا بمیرید مگر اینکه مسلمان باشید و همگی بریسمان خدا چنگ بزنید ومتفرق نشوید .

ولی مقصود از اتحاد مسلمانان اتحاد جمیع بشر است زیرا ابتدا توحیدکلمه بشر ناشی از اتحاد یك خانواده سپس یك محله بعد یك شهر بعد یك مملکت ویك دین است تا اینکه منتهی میشود باتحاد تمام افراد بشر واتفاق ملل و اقوام پس هرچه در اخبار و آیات رسیده از محبت افراد یك عائله و همسایگان واهل یك شهر و بالاخره اهل یك دین مقدمه برای اتحاد بشریت است چنانکه میفرماید: احب لنفسك ما تحب بغیرك آنچه برای خودت دوست میداری برای دیگران هم دوست بدار . و اینکه میفرماید یاایها الذین امنوا مانع نیست از اینکه این حکم شامل کفار هم بشود زیرا کفار چنانکه مأمور باصول هستند مأمور بفروع هم هستند پس مأمور بایجاد اتحاد بشری میباشند . و چقدر دور است این وحدت از کسیکه دعوت بقطع رابطه بین عائله هم میکند تا اینکه پسر پدرش رانشناسد ومادر بچه اش را وهمینطور تمام اقارب وخویشاوندان این فسادی است بس بزرك . و از اینجا فرق بین انکار قومیت در اسلام وازبین بردن شؤون انسانیت در کمونیستی دانسته میشود . اولی سعادت و صلح و صلاح است ودومی شقاوت وبدبختی وفساد .

این یکی از دستورات اسلام است اگر ما بآن تمسك کرده بودیم سعادتمند میشدیم بلکه عموم بشر سعادتمند میشد ولی متاسفانه آنرا فراموش کرده ایم .

من در ماه ولادت پیغمبر محترم صلی الله علیه و آله وسلم مجالس

جشن زیادیرا مشاهده کردم بعوض اینکه در مسجد بر پا شود تا مجد و عظمت اسلام را حفظ کند در حیاطهای خانه اقامه شده بود وحال آنکه هرگونه چیزیکه در آنها باشد بیشتر و بالا ترش د ر مسجد است ما نه علم داریم ونه اسلحه ونه ثروت ونه صلاح معذلك بصهیونیه ومستعمرین دشنام میدهیم وبدگوئی میکنیم . آیا میخواهیم با فحش و ناسزا بلاد خود را پس بگیریم و بدین و طریقه خود مان بشر را سعادتمند کنیم و حال آنکه دین اسلام را بآنها نشان ندادیم و مرامش را بایشان نفهماندیم . ما سب یهود میکنیم ولی ثروتمان بدست آنهاست .

این پایتخت کشور ماست . روز شنبه روز یهود را کار میکنند وروز جمعه‌روز اسلام را کار میکنند درصورتیکه خدا میفرماید (وذرواالبیع) معاملات را واگذارید مابیهودیان دشنام میدهیم اما درکارهایمان پیروی آنها میکنیم و مدعی اسلام هستیم و بر اسلام جفا میکنیم .

یهودبواسطه کثرت اعیادشان قریب‌ثلث‌سال راتعطیل دارند ومعذلك چنگال آهنین خود را بر ثروت ممالك فرو برده اند و ما مسلمانان که روزجمعه راهم‌بخل‌میکنیم روزبروز برفقرو بیچارگیمان افزوده‌میشود . باسم تولد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای تأیید احکام و شرایعش جشن میگیریم و بانی این جشن بزرگترین مرکزعلمی‌عراق (حقوق) است وآن سزاوارتر باین کاراست زیرا مقصودش‌قانونگزاری است و بزرگترین قانونگزار عالم که بشر از آوردن یك قانون‌مثل قوانینش عاجز است هما نکسی است که در مثل امروز متولد شده است . ما از اقدام این مرکز بزرك علمی‌برجشن‌امروزتشکرمیکنیم ولی نمیتوانیم از آنچه برخلاف سنن تشریع بجا آوردند چشم بپوشیم .